دوره سیزدهم قانون گذاری — جلسه ۱۱ — شماره مسلسل ۱۰۴۳

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه هفتم دیماه ۱۳۲۰ ##

فهرست مطالب :


۱ - تصویب صورت مجلس
۲ - تقدیم استعفانامه از نمایندگی دوره سیزدهم از طرف آقای دکتر اهری .
۳ - شور اول طرح پیمان بین سه دولت .
۴ - استرداد لایحه مربوط به تصفیه امور املاک و تقدیم لایحه جدید از طرف آقای وزیر دادگستری .
۵ - تقدیم لایحه یکی شدن وزارت پیشه وهنر و بازرگانی .
۶ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه


مجلس چهار ساعت بعد از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس یکشنبه سی ام آذرماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند ###

[ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

**رئیس** - در صورت مجلس اظاری نیست ؟ آقای طوسی .

**طوسی** - در جلسهٔ قبل موقعی که بنده مشغول مذاکره بودم ظهر رسید و ختم جلسه پیشنهاد شد باین مناسبت بنده عرایضم را ترك کردم وفرمودند که در این جلسه عرض کنم حالا هم از نظر اهمیت موقع و مطالب مهمتری که در پیش است از عرایضم صرف نظر میکنم .

رئیس - آقای دکتر جوان .

**دکتر جوان** - درصورت مجلس نوشته اند که بنده راجع به تجدید نظر درقانون نظام وظیفه عرضی کرده ام درصورتیکه

## عین مذاکرات مشروح یازدهمین جلسه ازدوره سیزدهم قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

ادارهٔ تندنویسی وتحریر صورت مجلس

## اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غایب با اجازه - آقای مخبر فرهند .

غائبین بی‌اجازه - آقایان : افخمی - توانا - دکتر فنی - دکترضیاء - رهبری - صدر - اعظم زنگنه - اکبر - هدایت‌الله پالیزی - رؤید قوامی - اصفهانی - دکتر ادهم - آصف - سلطانی - صادق وزیری - مقدم - پارسا - معدل - نصرتیان .

دیر آمدگان با اجازه : آقایان - صفوی - نقابت - انوار .

دیر آمدگان بی‌اجازه - آقایان : رضوی - مسعودی خراسانی - دکترسمیعی - منصف - شهدوست - مؤیدثابتی - مؤثر - نواب‌یزدی - ارگانی - دکتر تاج‌بخش - مشار - مکرم‌الشار - یمین اسفندیاری - دکترجوان - نراقی - طباطبائی - شیرازی - نیکپور - نمازی - جهانشاهی - خسروشاهی - تهرانچی - فتوحی - شباهنگ - پناهی - دکترمودب نفیسی - مسعودی - مستشار - دکترلقمان - امامی - دشتی .

عرض بنده راجع به تجدید نظر نبود و عرض کرده بودم که قانون نظام وظیفه موقتاً موقوف بشود .

**رئیس** ـ بسیار خوب اصلاح میشود در صورت مجلس دیگر نظری نیست ؟ ( خیر ) صورت مجلس تصویب شد .

**[ ۲ ـ تقدیم استعفا از نمایندگی دوره سیزدهم ]**

**رئیس** ـ آقای دکتر اهری قبل از دستور فرمایشی دارید؟

**دکتر اهری** ـ عرض بنده مختصر است و راجع است بنمایندگی خودم در دوره سیزدهم مجلس که شرحی بمقام ریاست مجلس عرض کرده ام و درهمین عریضه تقاضا کرده ام که در مجلس قرائت شود .

( عریضه خود را تقدیم مقام ریاست نموده و از مجلس خارج شدند )

**[ ۳ ـ شور اول طرح پیمان بین سه دولت ]**

**رئیس** ـ گزارش کمیسیون امور خارجه مطرح است .

گزارش کمیسیون .

کمیسیون امور خارجه لایحه شماره ۴۷۱۵ دولت راجع باجازه مبادله پیمان اتحاد بین دولت شاهنشاهی ایران و دول اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و انگلستان را با حضور جناب آقای نخست وزیر و وزیر امور خارجه تحت شور و مطالعه قرارداده و با توضیحاتی که دراطراف هریك از فصول پیمان و نامه‌های پیوست آن از طرف دولت داده شد بالاخره با اصلاحاتی که در فصول آن بعمل آمد با عین ماده واحده پیشنهادی دولت موافقت حاصل شده اینك گزارش آن برای شور اول تقدیم میشود .

رئیس ـ آقای وزیر فرهنگ .

**وزیر فرهنگ** ـ ( آقای تدین ) ـ اولاً مطابق معمول و نظامنامه اجازه بدهید ماده واحده خوانده شود و ثانیاً یك اصلاح عبارتی است قبلاً هم تذکر داده شد معلوم میشود که غفلت شده و آن این است که اینجا نوشته شده این پیمان مشتمل بر نه ماده است بجای کلمهٔ فصل ماده نوشته شده بایستی نوشته شود این پیمان مشتمل بر نه فصل است .

رئیس ـ اصلاح میشود ماده واحده قرائت میشود .

**ماده واحده** ـ مجلس شورای ملی پیمان اتحاد بین دولت شاهنشاهی ایران و دول اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و انگلستان را که مشتمل بر نه ماده و چهار نامه میباشد ودر تاریخ ۲۴ آذر ماه ۱۳۲۰ از طرف نمایندگان سه دولت پاراف شده تصویب و بدولت اجازه میدهد امضاء ومبادله شود .

رئیس ـ مذاکره در کلیات است . آقای نوبخت .

**نوبخت** ـ این قرارداد چنانکه دیده میشود دارای یك مقدمهٔ مختصر و نه فصل ودو ضمیمه اول ودو ضمیمه دوم است که من بموجب دلائل و براهین مسلم با همه آنها مجموعاً و با هریك منفرداً مخالفت داشته انعقاد آنرا منطقی نمیدانم و بر وفق منافع ایران نمی بینم .

اینکه بطور کلی مخالف هستم علتش این است که ما با تمام دول چه دول اروپا وچه دولت متحد امریکا و چه دول مستقل آسیا پیمان مودت بسته ایم واین قرارداد که در مقدمه خود پیمان اتحاد نامیده شده است مخالف مفهوم معاهده ها و پیمان‌های دوستی است که درانعقاد آنها ایران حق داشته ودارد وبرطبق قوانین بین‌الملل هردولتی که با دولت دیگر قراردادی منعقد میکند مجبور است تعهدات و پیمان های خود را نسبت بسایر دول مستقل رعایت کند و هیچ پیمان اوین نمیتواند حقوق حقه سایر دول را که در آن پیمان اوین دخالتی ندارد از میان ببرد علاوه براین که یك اصل مسلم و خلل ناپذیری است باید دید این قرارداد که آنرا پیمان اتحاد نامیده اند از چه نوع اتحادی است .

زیرا دولی که بنام ونشان شناخته شده‌اند از لحاظ حقوق بین‌الملل بدو قسم اند اول دولی که هریك منفرداً دارای استقلال تام و تمام بوده با هیچ دولت دیگری ترکیب یا اختلاط نیافته‌اند مثل دولت فرانسه ـ ترکیه ـ ایران اسپانی وغیره وغیره . البته این نوع دول در امور داخلی وخارجی خود مستقل بوده یکی تابع دیگری نیست . قسم دوم دولی هستند که بواسطه نوعی از اشتراك یا بجهت واقع شدن در تحت اقتدار یك حکومتی حلقه انفراد آنها از میان رفته و با دیگران متصل یا متحد شده اند . من دراینجا درباره دولی که اتصال یافته اند عرضی ندارم زیرا از موضوع بحث ما خارج است فقط سخن من بر روی اتحاد است که با انعقاد





این قرارداد دولت ایران از حالت انفرادی که داشته (وبعقیده من بعد از اینهم خواهد داشت ) داخل در قسمت دوم یعنی اتحاد میشود . چقدر خوب است آقای فروغی بگویند که این اتحاد ازچه نوع اتحادی است . البته از نوع اتحاد مطلق نیست از قسم اتحاد عمومی هم نمیتواند بود . پس یا از نوع اتحاد عرضی است یا اتحاد تدافعی . وقتی آقای نخست وزیر ناچار یکی از این دو نوع را اختیار فرمودند آن وقت ثابت خواهم کرد که از هیچکدام ازاین دو نوع هم نمیتواند باشد ویکنوع اتحاد غیر معقولی است که در قوانین سیاسی سابقه نداشته وندارد . در باره اعتراضی که بفصل اول این قرارداد دارم دو موضوع را از همه مهمتر میدانم . . . .

**اقبال** ـ بنده اخطار نظامنامه‌ای دارم در مواد نمیتوانند ایشان داخل شوند . . . .

رئیس ـ داخل مواد نشوید

**دکتر جوان** ـ مانعی ندارد ایشان در کلیات صحبت میکنند میتوانند داخل مواد هم بشوند .

**نوبخت** ـ یکی واژه تعهد دیگری ذکر استقلال سیاسی بشکل انحصار عین فصل اول این است : ( اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر و ایرلند و مستملکات انگلیس ماوراء بحار و امپراطور هندوستان وهیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ( که از این پس آنها را دول متحده خواهیم نامید ) مشترکاً وهریك منفرداً تعهد میکنند که تمامیت خاك ایران و حاکمیت و استقلال سیاسی ایران را محترم بدارند) بنده میخواهم دراینجا وارد تاریخ بشوم زیرا البته همه آقایان از تاریخ ایران استحضار کامل دارند اما میخواهم عرض کنم که آنچه تاامروز مورد اعتراف همه دول و ملل دنیا است این است که ایران مستقل و آزاد است ودر نداشتن این آزادی واستقلال بدون مراحم والطاف هیچکس نبوده ونیست وتنها بشایستگی داشتن حق حیات و حقانیت و با زور و قوت معنوی و مادی خود توانسته است همیشه مستقل باشد وهمیشه بالقوه و بالفعل پیرومند وزنده بوده است و خواهد بود .

من نمیدانم آنروزی که شاهنشاه ایران خود را امپراطور آسیا و پادشاه ماوراء دریاها درسینهٔ کوه بیستون ثبت کرده است دیگران کجا بودند . ایران شاه عباس ونادرشاه بزرگ از آن است که کسی بتواند استقلال حقیقی او را متزلزل نماید و برروی دلائل بسیار قوی استقلال ایران نیازمند بتعهد و محتاج بعقد پیمان نیست و تمامیت خاك ایران نیز برطبق اصل سوم قانون اساسی و برطبق عهدنامه های دائر برتعیین حدود و مرزها ومطابق اعتراف تمام دنیا عموماً ودول همسایه خصوصاً امری است مسلم و هیچگونه احتیاجی بتضمین وتعهد نداشته وندارد مخصوصاً همسایه بزرگ مادولت اتحاد جماهیر شوروی روسیه در عهدنامه ۲۶ فوریال ۱۹۲۱ که درتاریخ بیست وسوم قوس ۱۳۰۰ درهمین مجلس شورای ملی تصویب شده است در فصل دوم آن تصریح میکند که : (دولت شوروی روسیه ازسیاست های دولتهای روسیه تزاری که بدون رضایت ملل آسیا و به بهانهٔ تأمین استقلال ملل مزبوره با سایر ممالك اروپا در باب شرق معاهداتی منعقد نمودند که بالنتیجه منجر باستملاك آن میگردید اظهار تنفر مینماید) وایز درعهدنامهٔ تأمینیه و بیطرفی منعقدبین ایران و اتحاد جماهیر شوروی مصوبه ۲۷ مهرماه ۱۳۰۶ در فصل سوم تصریح شده است که ( هریك ازطرفین متعاهدین متعهد میشود که نه عملاً ونه رسماً در اتحاد ها و ائتلافهای سیاسی که برضد مصونیت برّی و بحری و یا برضد استقلال و یا تمامیت و یا حاکمیت طرف متعاهد دیگر منعقد شده باشد شرکت ننمایند) چون دولت اتحاد جماهیر شوروی در هر دو عهدنامهٔ مذکور که بحکم امضاء و اجرای طرفین معتبر بوده وخواهد بود ازاینگونه تأمین‌ها یا بعبارت دیگر ازتعهداتی که به بهانهٔ تأمین استقلال است رسماً اظهار تنفر نموده و متعهد شده است که در هیچ نوع اتحاد سیاسی که برضد استقلال و تمامیت خاك ماست شرکت ننماید . من تعهدی را که در فصل اول این قرارداد است مخالف مفهوم عهدنامه های سابق و معتقدم که اتحاد جماهیر شوروی یك کشور بزرگ عدالت پروری است که هرگز برخلاف

عهدنامه خود اقدامی نخواهد نمود وچنانچه گفته شد مطابق قوانین بین‌المللی هرقراردادی که در ضمن آن رعایت مفهوم ومعنای قراردادهای دیگر نشده باشد آن قرارداد باطل و بخودی خود لغو خواهد بود . اما آنچه راجع بذکر واژه استقلال سیاسی است لازم است که عرض کنم اثبات چیزی نفی ماعدا نمیکند و البته ایران دارای همه نوع استقلال است که در علم سیاست باستقلال تام و تمام تعبیر میشود ، استقلال اجتماعی ومدنی ، استقلال اقتصادی ، استقلال جنگی ومحاربه ، استقلال قاعی ونظامی ، استقلال صنعتی وتجارتی ، استقلال دینی و سایر انواع استقلال را ایران همیشه داشته ودارد وخواهد داشت . این را هم عرض میکنم که قید این فصل هرقدر هم که جامع و مطابق با واقع و حقیقت نوشته شود اساساً موهن و مایه شك و شبهه و بلکه مشئوم است زیرا که قرارداد چنانکه دولت میگوید قرارداد اتحاد است البته چنین قیدی وچنین شرطی نسبت بیك طرف لازم نیست واگرلازم باشد دولت ایران هم باید نسبت بکشور انگلیس و روسیه نیز چنین تعهدی را قائل بشود . اگر تعهد دولت ایران نسبت بآن دو دولت که هردو مسلماً دو دولت مستقل هستند عبث و بی‌معنی است لازم میآید که تعهد آنها هم نسبت بایران که البته دولت مستقل وآزاد و بیطرفی است عبث و بی‌معنی باشد چنانکه درهیچ پیمان وقراردادی که ما تاکنون با دول دنیا عموماً و با اتحاد جماهیر شوروی خصوصاً بسته‌ایم چنین فصلی را قائل نشده و چنین قیدی نکرده‌اند مگر درمعاهده مشئومی که وثوق‌الدوله با دولت انگلیس بست آنهم حالش معلوم و عملاً غیر قابل اجرا بود و بالطبع لغو شد . فصل دوم قرارداد این است . مابین دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران ازیکطرف ودول متحده ازطرف دیگر پیمان اتحادی بسته میشود . علما ودانشمندان این نکته را از مسلمیات شمرده‌اند که هرگونه معاهده و پیمانی میباید با منافع و با احتیاجات طرفین موافقت داشته باشد . یعنی با موقعیت کشور با وضع زندگی وحالات روحی وتمایلات مللی که دولت‌های ایشان پیمان می‌بندند این پیمان مطابقت کند وباید منفعت هر دو طرف ( در این قراردادهر سه طرف) منظورشده باشدو گرنه چنین پیمانی که نفع طرفین در آن ملحوظ نشده یا بیشتر رعایت یکطرف شده باشدغیر قابل اجرا خواهد بود . چنانکه قرارداد ۱۹۰۷ روس تزاری با انگلیس وقرارداد ایران و انگلیس که ایران نبسته بود و وثوق‌الدوله بسته بود چون نفع ایران در آنها ملحوظ نبود بالطبیعه ازمیان رفت وبدون اینکه اجراء بشودازهم گسیخته گردید و اگر هم اجراء شده بود البته چون عادلانه نبود خود بخودازمیان میرفت چنانکه رفت زیرا اشخاصی که آن قراردادها را بستند منافع طرفین ویا طرفی را که برروی او معاهده بسته بودند در نظر نداشته و نظائر آنها در دنیابسیار اتفاق افتاده است بدیهی است که این اتحاد برای ایران نه تنها سود ونفعی ندارد بلکه بعقیده من یکطرفی شدن ایران مضر است و کشور ایران باید بیطرفی کامل خود را حفظ کند اما نه آن بیطرفی که آقای نخست وزیر برای ما تعبیر و تفسیر نموده‌اند . آقای نخست وزیر بیطرفی سوئد بیطرفی آمریکا بیطرفی ترکیه‌را سه نوع بیطرفی شمرده و یکطرفی شدن ایران‌را هم نوعی از بیطرفی دانسته‌اند چنانکه در مصاحبه خود با آقای مدیر روزنامه اطلاعات فرمودند چه مانعی دارد که با وجود همین عهدنامه اتحادهم دولت ایران‌را که بموجب این عهدنامه مکلف به محاربه با هیچ دولتی نمیشود بیطرف بدانیم . مقصود آقای فروغی گویا این است که چون دراین قرارداد ایران مجبور بجنگ با کسی نیست بیطرف است اما نمیدانم چرا این عدم شرکت درجنگ را بصورت مکلف بودن ذکر کرده‌اند ومن هیچ نمیتوانم بفهمم این مکلف بودن چه معنی میدهد . چطور میتواند ایران مکلف ومتعهد بشود که با هیچ دولتی محاربه نکند . شما مگرمیتوانید استقلال جنگی ایران را منکر بشوید . البته انکار آن ممکن نیست وایران همیشه حق داشته و حق دارد و همیشه حق خواهد داشت که بالقوه وبالفعل ازخود دفاع نماید وبر طبق استقلالی که دارد حق دارد شاهنشاه او اعلان جنگ بدهد . شما آقای فروغی چرا بیطرفی‌را مطابق میل خودتان تفسیر میکنید . این تفسیر





شما در هیچ قاموسی از قاموسهای سیاست دیده نشده است آیا نمیدانید این نوع تعبیر و تفسیر برای کشورهائی میشود که حیات و استقلال حقیقی ندارند ؟! ما حاضریم مثل دولت سوئد بیطرف باشیم یعنی بدولت انگلیس اجازه بدهیم اگر بخواهد مهمات خودرا ازراه ایران باتحاد جماهیر شوروی بفرستد ولی حاضر نیستیم از این قسم بیطرفی تجاوز کرده با او متحد هم بشویم وحاضر نیستیم که اجازه بدهیم از کشور ما درمقابل مهاجم دیگری دفاع کند . ما حاضریم مثل دولت ترکیه بیطرف باشیم یعنی ازجنوب بشمال و ازمشرق بمغرب ایران ازمرزی تا مرزی دیگر مصون باشد واجنبی در ایران نباشد ماهم با اتحاد جماهیر شوروی وانگلیس مثل ترکیه متحد باشیم . ماحاضریم مثل امریکا هرگونه کمکی که ازما برآید نسبت بهمسایگان خود معمول داریم اما بشرط آنکه مثل امریکا کشورما از تجاوز وفعالیت بیگانگان مصون و محفوظ باشد . لیکن نه اینقسم که هم بیطرف وهم یك طرفه هم متحد هم ناقد استقلال جنگی وهم تمام سود ومنافع قرارداد برای یك طرف و تمام زیان و بدبختی ها برای یك طرف . آیا اقدامات مضره باستقلال مملکت که در قانون اساسی ما قابل استیضاح وقابل محاکمه است کدام است ؟ . . آیا جز این است که آقای فروغی گفته‌اند ومیخواهند آنرا هم اجرا بکنند ؟ حقاً این فصل را که حاکی ازبسته شدن پیمان اتحاد است برای ایران مضر میدانم زیرا دراینصورت ایران یکطرفی میشود و باهزار گونه سریشم هم بیطرفی باو نمی‌چسبد ومن با دلائل بسیارعقیده دارم که ایران باید بیطرفی خودرا ازدست ندهد وباهیچ کس طرف نشود وبالاترین دلیل ما این است که باوجود تعرضی که‌از شمال و جنوب بایران شد آرتش ایران اسلحه خود را بزمین گذاشت

**طوسی** - جنك نکرد آقا اکجاجنك کرد !

**نوبخت** - وجنك خودرا ادامه نداد وازاین پس هم صلاح اوایست که ازبیطرفی دست بردارد و مخصوصاً ایران از حیث موقعیت بر عکس نظریه آقای فروغی نمیتواند این قرار داد را با منافع خود وفق بدهد زیرا ژاپن که یك دولت مقتدر آسیائی بیست وبادولت اتحادجماهیرشوروی هم که همسایه بزرك ماست نسبت باو بیطرف است به بیرمانی رسیده است هند هم که درهمسایه جنوبی ماست ، ترکیه وافغان هم که دو طرف دیگر ما هستند البته بیطرف اند پس ما میان چهاردولت واقع شده‌ایم که همه نسبت بهم مودت و بیطرفی‌را حفظ نموده‌اند وبااین حال نمیدانم چگونه اقتضامیکند که ما از اصل بیطرفی منحرف بشویم و نمیدانم این عمل چگونه بامنافع واحتیاجات ما وفق میدهد . برای دولت اتحادجماهیر شوروی نیز گمان نمیکنم این قرارداد سود زیادی داشته‌باشد زیرا تنها فایده‌ای که برای این همسایه بزرك مامنظوراست همان راه آهن است که گویا از آن راه مهمات حمل میشود آن را هم که دولت ایران برضا و رغبت حاضر گردید تنها علت انعقاد این قرارداد یك چیز میماند وآن عبارت است از رعایت خاطر انگلیس که بعقیده من تمام منافع این قرارداد برای او منظور شده است نه کشور ایران ونه کشور اتحاد جماهیرشوروی هیچ کدام را درآن منفعتی نیست بلکه کشور ایران را نیز متضرراست و اگر آقای ایدن هم اینجا تشریف داشتند شاید ممکنشان نمیشد که از حیث موقعیت ایران لزوم چنین قراردادی را برای ایران ثابت کنند وفقط آقای فروغی میتوانند درپاسخ من بگویند اشتباه کردند . یك مورد از موارد اشتباه را هم نشان ندهند شاید در دنیا هیچگونه قراردادی مانند این قرار داد به نفع یك طرف وضرر طرف دیگر منعقد نشده باشد و بهترین برهان این مطلب فصل سوم این قرار داد است . فصل سوم ۱ - دول متحد مشترکاً و هر یك منفرداً متعهد می شوند که بجمیع وسائلی که در اختیار دارند ایران را در مقابل هرتجاوزی از جانب آلمان یا هر دولت دیگر دفاع نمایند الی آخر . داستانی است بسیار غم انگیز سرگذشتی است حزن آور در این فصل کارها قسمت شده است بعضی را دول متحده متقبل شده‌اند که برای ایران انجام بدهند که بعقیدهٔ هرآدم وطن پرستی بزیان وضرر ایران است بعضی راهم ایران متعهد شده است که بالطبیعه بمنفعت آنطرف وبضرر وخسارت

و بدبختی ایران منتهی خواهد شد. قاعده علمی است که در یك قضیه استقرائی یعنی در یك قضیه که چندین قضیه را بنا به مسلم بودن اولی مسلم میشمارند و براو حمل میکنند قطعاً باید قضیه اولی ازمسلمیات باشد این فصل سوم که قضیه استقرائی است قسمت اول ازتمام آنها بی پایه‌تر و بیشتر از همه غیر مسلم وغیرضروری است. دول متحد متعهد میشوند که ایران رادرمقابل هرتجاوزی دفاع نمایند اولاً که تجاوزی نسبت بایران ازطرف ترك وافغان که باما همسایه‌اند وپیمان مودت وعدم‌تعرض باآنها داریم متصور نیست ازدوطرف دیگر هم که تجاوزشده است ازطرف دول دوردست هم مثل آلمان وغیره که کشورهای دیگر وحتی کشور روسیه خود حایل و مانع است وتجاوزی بایران از طرف دیگری مسلم وحتی متصور نیست زیرا ایران درمتن جنگ واقع نشده‌است. ضمانت وتعهد این موضوع شاید وقتی لازم آید که اولاً محقق باشد که این کشور در معرض خطر مسلم واقع شده و ثانیاً این ملت خود بخواهد و از دولتی قوی‌تر از خود چنین‌خواهش را بکند و این هردو شرط نه تنها مسلم نیست بلکه قسمت اول‌خیلی بعید بنظرمی‌آید وقسمت دوم هم‌ابداً وجود ندارد یعنی ملت ایران چنین دفاعی راخواهش‌نکرده‌است ومهر بالای بزور هم تاکنون کسی نشنیده است بنا بر این چنین دفاعی برای حفظ ایران نیست بلکه منظور نفع دیگری است و مسلماً قید واظهار این دفاع موردی ندارد زیرابهرحال دفاع خواهند کرد و در قید آن بزرگترین زیانی که ممکن است متوجه ما بشود همان حق دفاع دادن بدیگران است و البته این موضوع رادرضمن توضیحی که باید برای اعتراض بفصول قرارداد عرض نمایم اگر اجازه بیابم روشن و واضح خواهد کرد. این تعهد دفاعی هرگاه بمعنی ضمانت است که هرگز ضمانت این معنی را نمیدهد زیرا ضمانت دراصطلاح حقوق سیاسی حکم پیمان و معاهده اتحاد تدافعی را دارد وقتی لازم‌می‌آید که دولتی یا کشوری درمعرض‌خطر باشدوخوداواز دولتی قوی‌تر ضمانت را بخواهد درصورتیکه هیچکدام از این دوشرط موجود نیست وهیچکس نمیتواند ثابت کند که ما در معرض خطر هستیم و اگر برفرض چنین باشد البته از طرف ملت ایران چنین خواهشی یا اقلاً رضایتی نشان داده نشده‌است که دیگران دفاع ایران راتعهد کنند خاصه وقتیکه تصریح نشده است که این تعهد از چه قبیل تعهدهاست زیرا خیلی از تعهدها هستند که بکلی بر خلاف استقلال مملکت و برخلاف حق مشروع دولتها است.

بدتر از همه آنست که این تعهد برای ما تولید دشمنی میکند البته تابحال دولت آلمان ومتحدین او باما اعلان دشمنی نداده‌اند بلکه خود آلمان و متحد او ژاپن هم با ما پیمان مودت دارد و نمیتوان گفت که ژاپن هم دوست است هم دشمن و البته بموجب پیمان مودتی که با او داریم و درهمین مجلس تصویب شده است او با ما دوست است و چون دولتی مقتدر و آسیائی است این نزدیکی ایجاب کرده است که با او پیمان مودت بسته‌ایم چنانچه بانام کشورهای مستقل دنیا و پیش از همه با اتحاد جماهیر شوروی پیمان مودت داریم. آیا معنی همکاری نزدیك که درتعلق شاهنشاه ایران درمجلس ایراد شد معنایش همین‌است که دشمنی دیگران رابخود جلب کنیم و آیا منظور از تشکیل دولت چنین عملی است البته اینطور نیست وباید اینطور باشد.

پس ما نمیتوانیم اجازه بدهیم که دیگری ایران ما را دفاع کند و دفاع از ایران همیشه بالقوه و بالفعل اگر ملت بخواهد حق خود ایران است و منظور ما از تشکیل دولت مثل منظور تمام ملل مستقله دنیاست او می باید حقوق سیاسی و حقوق داخلی و خارجی مارا مصون و محفوظ بدارد. تعهددولتی ازدولت دیگر البته جلب عداوت دیگری راخواهد نمود یعنی دولت تعهد شده گذشته از همه عیوبی که ذکرشد برطبق قوّاین سیاسی محارب شناخته میشود و گمان نمیکنم که ملت ایران ومجلس شورای دولت خود رابرای چنین کاری معین کرده باشد بلکه برای آن معین کرده است که ازاینگونه پیش‌آمدها جلوگیری کند. اگردولتی پیداشود که برخلاف نظر ملت خود عمل کند البته آن دولت دولت غاصب است وهر کاری که بکند ازدرجه اعتبارساقط خواهد بود و بسیارغریب‌است که مادولتی را که مرتکب قتل فردی





میشد تقبیح میکنیم امادر باره دولتی که مرتکب قتل اجتماعی میشود ساکت میمانیم قتل اجتماعی یعنی چه یعنی یك ملتی که جنگ با هیچکس ندارد او را در معرض کشتار وبلای خانمانسوز جنگ قرار بدهیم. البته تصدیق میفرمائید که چنانکه معلوم است همسایگان میگویند حملهٔ ما بایران در اثر آن بود که دولت ایران از بیطرفی منحرف شده بوداین را آنها میگویند در اینصورت تصور نمیفرمائید که این قراردادهم همین بهانه رابدیگران بدهد؟ ما بانهایت بدبختی وخون جگر راه آهن درست کردیم وزندگانی مختصری تهیه نمودیم واین ملت بیچاره نان نخورد وجاده‌ها را درست کرد وشکم مردم شن ریزی گردید تاخیابانها آسفالت گردید اینها چه خواهد شد؟ مردمی که هیچ پناهگاهی ندارند درمقابل دشمنانی که بااین‌قرارداد برای خود درست میکنند آیا چه خواهند کرد؟

---

در بارهٔ فصل چهارم این قرارداد که بدول متحده اجازه میدهد که در خاك ایران قوای زمینی و دریائی و هوائی نگاه بدارند واین‌عمل را هم‌تصریح میکند که صورت اشغال نظامی ندارد بعقیدهٔ من نه تنهابامفهوم بیطرفی واستقلال تام وتمام ایران متناسب‌نیست بلکه با عهدنامه‌ها وقراردادهائی که ایران با اتحاد جماهیر شوروی منعقد نموده است و برای همیشه بقوت خود باقی است بکلی مباین میباشد ودر حقوق بین‌المللی تصریح شده است که هر دولتی با دولت دیگری قرارداد منعقد میکند مجبور است که قراردادها و پیمانهای سابق‌را که باآن دولت و باسایر دول مستقل بسته‌است رعایت نماید و هرمعاهده و قرارداد اولینی باید با پیمانهای پیشین متضاد نباشد. برای آنکه ثابت شود که این قرارداد با تمام پیمانهائی که با اتحاد جماهیر شوروی بسته‌ایم مباین است در اینجا عهدنامه مودت ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ بین ایران و جمهوری شوروی روسیه بامضای چیچرین و کاراخان مصوب بیست وسوم قوس ۱۳۰۰ را یاد آوری میکنم که در فصل دوم آن دولت جمهوری شوروی استنکاف خود را از مشارکت در هر نوع اقدامی که منجر بتضعیف ومحفوظ نماندن سیادت ایران بشود اعلان نموده و در مراسله ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ بامضای کمیسر خارجی امور خارجه جمهوری اشتراکی اتحاد شوروی بدین شکل تصریح شده است: ماده ۱۴ روسیه ازهرنوع مشارکت در تشکیل قوای مسلحه در خاك ایران صرف نظر مینماید. و نیز در عهدنامه مصوبه ۲۷ مهرماه ۱۳۰۶ که بین ایران و دولت اتحاد جماهیرشوروی منعقد شده است درفصل دوم اظهار میدارد: هریك از طرفین متعاهدین مورد حمله یك یا چند دولت ثالث بشود طرف متعاهد دیگر متعهد میشود بیطرفی خود را در تمام مدت مخاصمه محفوظ بدارد و ضمناً طرفی که مورد حمله واقع شده‌است نباید برفرض هرقسم ملاحظات سوق‌الجیشی و تاکتیکی و یا سیاسی که باشد و یا هر نوع منافعی که برای او از آن متصور شود این بیطرفی را نقض نماید.

ودرفصل سوم اشعار میدارد که (هریك ازطرفین متعاهدین متعهد میشود که نه عملاً و نه رسماً در اتحادها و ائتلافهای سیاسی که برضد مصونیت بری وبحری و یا برضد استقلال و تمامیت و یا حاکمیت طرف متعاهد دیگر منعقد شده باشد شرکت ننمایند) از روی راستی ودرستی میتوان اصاف داد که دولت اتحاد جماهیر شوروی از آغاز انعقاد عهدنامه های مذکور تا سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ رعایت عهدنامه های مذکوررا نموده ودر اثراین مودت ودوستی ملت ایران نیز نسبت‌بآن دولت بزرك بادیدهٔ احترام نگریسته وازاین دولت دوست و همسایه خود انتظار نداشت که بر خلاف آنها عملی مشاهده کند و اکنون نیز انتظار ملت چهل کروری ایران از دولت اتحاد جماهیر شوروی همین است که همان دوستی و مودت دیرین خودرا رعایت نموده دراثر همان وجاهتی‌را که درمیان توده ایرانی داشته محفوظ بدارد. ملت ایران بخوبی دانسته است که اتحاد جماهیر شوروی نسبت بایران پیوسته نظرمودت ودوستی داشته ومراسله کمیسر ملی امور خارجه شوروی‌را که در۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ بدولت ایران فرستاده هرگز فراموش نمیکند زیرا در پایان مراسله صریحاً اعلام داشته که (ملت انقلابی روسیه سلام برادرانه خودرا بایران فرستاده و آرزومند است که شانه‌های فرسوده ملت ایران تحمیلات انگلیس ها و دول مستعمراتی متحده دیگر را که قصدشان

خفه کردن قطعی ایران دست و پا بسته است دور اندازد و ملت روس اعتقاد دارد که ملت سی کروری ایران نمیتواند بمیردو همچو ملتی که دارای چنین گذشته باافتخار ودرخشانی است درصفحات تاریخ تمدن حق اساسی را دارا میباشد که با یك جنبش توانا ازخواب چندساله بیدارشده ودوریفما گران رذل را سرنگون کرده برادرانه داخل درصنوف ملل متمدن شده برای سعادت نوع بشر کارهای شایسته خواهدنمود) پس ملت ایران اگر امیدی بحفظ مودت ودوستی همیشگی داشته باشد این امید متوجه باتحاد جماهیر شوروی است که چنین سابقه‌های درخشان و بیانات گرم و پر از مهر ومودتی نسبت بایران داشته است واین انتظاررا ندارد که اجازه بدهدقوای خارجی در آیران تمرکز یافته احساسات همان ملت سی کروری که او را برادر ملت روس خوانده است جریحه دار شود . زیرا ملت ایران در اثر اظهار همان گونه مودت ها پیوسته نسبت بروسیه شوروی قلبی پر ازمحبت داشته است و هیچوقت راضی نبوده است که سیاست دولت او یکطرفی باشد .

دربنددوم فصل ششم که درباره روابط ایران با کشورهای دیگر اظهار شده است مخالف مفهوم بیطرفی و استقلال تام و تمام این کشور است . علمای حقوق سیاسی تعریف جامعی که برای استقلال نموده اند این است که هر دولت مستقلی در رفتار داخله وخارجهٔ خود آزاد است و استقلال عبارتست از حق قبول نکردن مداخله دولتی دیگر درامور داخلی و در ارتباط و روابط خارجی . آنوقت در ذیل این معنی علمای سیاست وحقوق تصریح میکنند که هردولتی که از کلیه یا از قسمتی ازحق روابط خارجی محروم باشد یا محروم بشود آن دولت را متحد با دولت دیگر شناخته اند و دول حمایت شده یعنی تحت الحمایه ازاین قبیل اند والبته ایران روابط سیاسی خود را با همه دول دنیا دارد وخواهد داشت .

فصل ششم که مفهوم آن عدم رابطه باسایردول است بهیچوجه قابل قبول نیست وبکلی مخالف مفهوم فصل اول این قرارداداست وعلاوه براین ازمسلمیات علمای سیاست وحقوق یکی این است که هرقراردادی که درباب دخالت بامور دولت مستقلی بسته شود آن قرار داد بموجب قوانین بین الملل باطل است . دیگر از آن مسلمیات حقوقی این است که هرقرارداد یامعاهده‌ای که اختیارات اصلیه دولتی را محدود کند یا مضمحل نماید آن قرارداد باطل است ودنیا آنرا برسمیت نمیشناسد . بدیهی است که در اصطلاح حقوق وسیاست از جمله اختیارات اصلیه هر دولت مستقلی آن است که با تمام دنیا بتواند رابطه سیاسی داشته باشد چنانکه ماامروز معناً وبالقوه داریم وخواهیم داشت دیگری از آن مسلمیات حقوق سیاسی این است که هرقرارداد وپیمانی شروطی اساسی دارد که از آن جمله یکی تصدیق و دیگری توافق ، تصدیق آن است که تمام دول خارجه آن قراردادرا که میان دویاسه دولت بسته شده است تصدیق کنند، وچنین امری هرگز میسر نیست یعنی نسبت باین قرارداد هیچ دولتی تصدیق نمیکند زیرا بشئون ملی ایران لطمه وارد میآورد وملت ایران هرگز چنین امری را نمیپذیرد .

اما توافق دو قسم است یکی موافقت دول دیگر با یك قرارداد که آنهم مثل تصدیق هرگز نمیشود . دیگری توافق پیمانی است . توافق پیمانی آن است که هردولتی که با دولت دیگر پیمانی میبندد مجبور است که تعهداتی که درعهدنامه‌های سابقه نسبت بنتایج دول متقبل شده وقبول نموده است رعایت نماید یعنی هیچ معاهده جدیدی نمیتواند حقوق سایر دول را که در این عهدنامه جدید دخالت ندارند ازمیان ببرد . ما با سایر دول روابط داریم ما باژاپن پیمان مودت بسته‌ایم و درمجلس هم تصویب شده وبقوة خود باقی است . ما با تمام ملل اروپا ودول مستقل آسیا و آمریکا پیمان مودت داریم . بعضی ازمواد این پیمان چون حق دول دیگر را که با ما پیمان مودت دارند سلب میکنند و دراین پیمان جدید پیمان های سابق مارعایت نشده است برطبق قوانین سیاسی این پیمان نمیتواند قانونی ومحقانه شمرده شود زیرا علمای حقوق متفقاً گفته‌اند که هرقراردادی که در آن رعایت قرارداد های سایردول را با آن دولت نکرده باشند وهرقرار دادی که سلب حقوق مدنی از دول و ملل خارجه درمملکت بنماید این قرارداد باطل است . ودیگر





ازمسلمیات حقوق سیاسی این است که: روابط هردولتی باسایر دول ازلوازم میان آن دولت وملت است وبعبارت دیگر روابط بین المللی ازلوازم حیات آن دولت وملت است وبعبارت دیگر روابط بین المللی از لوازم حیات ملل دنیاست ولازم و ملزوم تمدن و عمران میباشد . علمای سیاست این معنی را تصریح کرده‌اند که : هردولتی که روابط سیاسی خودرا باسایر دول قطع نماید مثل این است که حکم قتل خودش را داده باشد وهمه دانشمندان حقوق متفق‌اند که چنین دولت وچنین ملتی حیات آن مبدل به ممات میگردد . من بقرآن عظیم سوگند یاد میکنم که درعرایض خودم هیچ گونه نظرسوئی نداشته نه با دولت طرف هستم نه باهمسایگان بد بین . تنها نظر من متوجه آب وخاکی است که در او نشو و نما کرده‌ام وهستی من مربوط بهستی اوست وبه من که فرزند اوهستم واجب است درهنگام شداید هرقدر بتوانم از او دفاع کنم اگر چه بقیمت جان من تمام شود. ما که مردم این آب وخاك را تشکیل میدهیم مثل تمام دنیاهیچوقت ضمانت زندگانی نداریم امروز جان افرادرا قیمتی نیست روزی هزارها نفوس کشته میشوند چه عیب دارد که ما هم برای جان خود ارزش قائل نباشیم . ازسربازی پرسیدند خوشبختی چیست گفت فداکاری در راه وطن وحضرت علی امیرالمؤمنین ع فرموده است مرد دلیر درهمهٔ عمر یك مرتبه میمیرد و آدم ترسو درعمر خود هزارها مرتبه خواهد مرد و هنوز بی خولی و بی غیرتی آن دسته مردمی که تسلیم قشون چنگیز میشدند پیش ما ضرب المثل است مردانی که جان خودرا میدادند و ایران عزیز خودرا نمیدادند همین ایرانیان بودند وقدر مسلم این است که ما افراد روزی خواهیم مرد اما ایران هیچگاه نمرده واکنون هم نمی‌میرد وبعدازاین هم هرگز نخواهد مرد . امروز روز مردانگی و فداکاری است بدانید که سرانوشت بیش کرورنفوس ایران را تهیه میکنید بیائید محض خدا روی نادرشاه را سیاه نکنیم وبدانیم که دستی قوی تر ازتمام دست های قادردردنیا موجوداست وآن دست توانای خداست که هیچگاه درانتقام بدکاران خطا نمیکند .

(صحیح است ـ صحیح است)

**نخست وزیر** ـ بنده اول اشاره میکنم به قسمت اخیر بیانات آقای نماینده محترم و عرض میکنم که بنده بعقیدهٔ خودم ایران را که وطن من است ، مثل همه کس دوست دارم وآنچه میکنم از برای خیر وصلاح این وطن میکنم وخدا را بشهادت میطلبم که دراینموقع که متاسفانه چنین پیش آمده است که متصدی امور مملکت باشم بهیچوجه من الوجوه منافع شخصی خود را در نظر نداشته‌ام باکه میدانم که ممکن است بمنافع شخصی بنده در اینمورد لطمه وارد بیاید البته هرچه درعالم سیاست میکنم برای مصلحت مملکت است وتصورهم میکنم خوب باشد ولی نمیتوانم مدعی بشوم که هرچه میکنم خوبست . ممکن است اشتباه هم بکنم ولکن انسان چه تکلیفی دارد جز اینکه بعقل خودش رجوع بکند و هرچه عقلش گفت که صلاح است برطبق آن عمل نماید البته مشاوره هم باید بکند مشاوره هم کرده‌ام هم با رفقا وهمکاران خودم وهم با دیگران و بعد از این مطالعات ومشاورات و با این نیتی که دارم که خدمت باین آب وخاك بکنم ونیت دیگری هم نداشته وندارم قدم گذاشته‌ام در این مرحله وراجع باین عهدنامه داخل مذاکره با دولت شوروی وانگلیس شده‌ام و بعد از آنکه باینجا که ملاحظه میکنید رسیده است بنده وهمکارانم مقتضی دانسته‌ایم که به مجلس شورای ملی پیشنهاد کنیم و تصویب آن را توصیه نمائیم و از آن دفاع هم بکنیم برای اینکه این عهدنامه برصلاح مملکت است حالا بعد از این مقدمه که مربوط بود بموخرهٔ بیانات آقای اوبخت وارد میشوم در بعض مسائلی که ایشان اظهار کردند . . . چون ایشان لطف خودشان را قبلاً حاضر کرده بودند و خواندند و بنده اینجا فقط شنیدم و خیلی چیز ممکن است از ذهن من برود . فقط بعضی چیزهای برجسته آنرا که توانستم یادداشت بکنم باندازهٔ که حافظه‌ام اجازه میدهد جواب عرض میکنم .

یك مقدار از بیانات ایشان در اول امر متوجه اینمعنی بود که ما با بسیاری از دول دیگر معاهدات داریم و این عهدنامه با آن معاهدات منافات دارد پس بنابراین نبایستی

این عهدنامه را متحد کنیم . اگر منظور ایشان همین است که بنده فهمیده‌ام باید عرض کنم که بنظر من یك منطق عجیبی است بجهت اینکه مثل این است که ایشان تا بحالی ندیده‌اند نظیر این را که یك دولتی با دول بسیار عهدنامه‌ها و قراردادها داشته باشد و بعد درهمان حال با یك دولت یا چند دولت دیگری عهدنامهٔ اتحاد هم ببندد . اگر همچو چیزی را ایشان مدعی هستند که گمان نمیکنم بخواهند مدعی بشوند برای اینکه الآن که ما در آئین دنیا زندگی میکنیم نظایر آن در جریان است تمام این دولتها که بعضی با بعضی متحد شده‌اند با سایر دول دیگر هم بی رابطه و بی‌قرارداد نبوده‌اند همهٔ این دولتها با دیگر دولتها عهدنامه داشته‌اند روابط داشته‌اند بانواع مختلف معذلك درموقعیکه مقتضی دانسته‌اند با یك دولت یا چند دولت دیگرعقد اتحاد بسته‌اند . این منطق ایشان را (مگر اینکه بنده غلط فهمیده باشم) اگر اینطور است که بنده فهمیدم بنظر بنده منطقی نیست و نمیشود با آن موافقت کرد وعهدنامه بستن چیز بدی نیست و نمیتوان گفت که ما چون یك عهدنامه با یك کسی بسته‌ایم تا وقتیکه زنده هستیم ( زندگی هم مقصود زندگی شخصی نیست زندگی ملی است و البته همانطور که آقای اوبخت هم فرمودند و بنده هم امیدوار هستم ملت ایران همیشه زنده باشد واعتقاد دارم که ملت ایران استحقاق این را دارد که همیشه زنده باشد) با این تفصیل یعنی مادام که ملت ایران زنده است ایشان معتقدند که بایستی این عهدنامه‌ها باقی باشد و هیچ عهدنامهٔ دیگری که با این عهدنامه‌ها منافات دارد بایستی منعقد بشود . اگر نظرتان این باشد تصور نمیکنم آقایان دیگر با این نظر موافق باشند .

در باب اینکه این اتحاد چه نوع اتحادی است خیلی توضیحات ندادند همینقدر انواع اتحاد را فرمودند که اگر گفته شود این عهدنامه اتحاد تدافعی است یاتعرضی آنوقت بنده ثابت خواهم کرد که اینطور نیست ، خوب این یك مسئله‌ایست که بنده چندان در آن وارد نمیشوم ، بنده تصور میکنم اگر بنا باشد عهدنامه‌ها و اتحادها را درتحت یك تقسیمات و طبقات معینی درآوریم ( که این هم بنظر بنده ضرورتی ندارد ) و یك اسمی روی آن بگذاریم بنده اسم این را اتحاد تدافعی میگذارم زیرا ما قرار نگذاشته‌ایم بموجب این قرارداد که بهیچ دولتی دیگر تعرض بکنیم .

میفرمایند که استقلال ایران که درفصل اول این عهدنامه ذکر شده است و دولتین متعهد شده‌اند آنرا رعایت کنند محتاج به پیمان نیست بعقیده بنده این یك عقیده‌ای است مخصوص ایشان گمان نمیکنم هیچ دولتی اعم از ضعیف یا قوی باشد که مستغنی باشد از اینکه باو بگویند که ما استقلال شما را رعایت میکنیم . استقلال یك مملکت ، یك دولت چیزی است که همه وقت ممکن است در معرض تجاوز و تعرض واقع بشود بنابراین اگر دولتی به دولت دیگر بگوید من استقلال شما را رعایت خواهم کرد این خطائی نکرده است تقصیری نیست از او باید ممنون بود و نباید باو تعرض کرد .

میفرمایند ما سابقاً بادولت شوروی عهدنامه بسته‌ایم ودر آنجاتعهد کرده‌اند که استقلال مارا رعایت کنند چرادراینجاهم همین مسئله آمده و ذکر شده است بنده منکر نیستم خوب دراین عهدنامه اگر خلاف این را دولت شوروی میگفت آنوقت میتوانستیم بگوئیم که چرا این حرف را میگوید ولکن چه ضرر دارد یك دولتی که سابق براین تعهد کرده‌است که استقلال دولت دیگری را رعایت کند این را تکرارهم بکند . میفرمایند چرا تکرار میکند ، چه لزومی دارد تکرار آن عرض میکنم برای این است که اموری در دنیا پیش آمده‌است که ممکن است این مسئله راهل شبهه قراربدهد که آیا فلان دولت استقلال مارا رعایت خواهد کرد ومحترم خواهد شمرد یانه پس وقتی که همچوامری پیش آمد دوباره این دولت میگوید که بدانید من از آن عهدی که کرده ام و از آن قولی که داده ام تخلف نمیخواهم بکنم حالاهم بشما میگویم که اموری رانما می‌بینید که ازآن امور ممکن است برشما چنین معلوم شده باشد که شاید من آن تعهدی را که





سابقاً کرده‌ام نمیخواهم بآن وفا کنم حالابشماقول واطمینان میدهم که همان تعهدی‌را که‌پیش کرده‌ام حالاهم دارم وخواهم کرد پس‌بنابراین موجب نمیشود که براین حرف اعتراض بکنیم‌وبگوئیم‌باوجوداینکه‌سابق‌تعهد کرده حالا نبایدبکند وچنانکه عرض کردم اگر حالا خلافش‌را میگفت جای‌تعرض بودحالا که‌همان‌را میگوید وتأیید میکند جای تعرض نیست بنابرین عرض کنم که نمیشودبدولت شوروی که میفرمائید همین تعهد راسابق براین کرده اعتراض کرد که شما یك‌دفعه دیگر این تعهد را کرده‌اید دیگر چرا بازهم تکرارمیکنید بله بنده خوشوقت هستم از اینکه آقای اوبخت از عهد نامه دولت ایران بادولت شوروی یاد واظهار خوشوقتی کردند ( اوبخت — راجع به‌پیمانهای‌پیش ) بله بله‌بنده این‌راتصدیق دارم وتوجه میدهم همین معنی را که خوشبختانه دولت ایران بحمدالله ازیك بدهمسایگی آسوده شده است زیرا که مامدت مدیدی یك‌همسایه جابری‌داشتیم که‌ازاو زحمت‌میدیدیم وآن دولت‌روسیه تزاری بودلازم نبود بنده توضیح بدهم‌همه کس وآنهائی که‌سنشان اقتضا میکند که دیده باشند بخاطردارند اگرهم ندیده‌اند درتاریخ خوانده‌اند ودیده اند که‌چه‌زحماتی بما وارد میآمد بطوریکه بنده اینجا حالا که گذشته است و اوضاع‌تغییر کرده‌است‌میتوانم‌عرض کنم که‌وقتی‌خودبنده که متأسفانه سنّم چنان است که تا یك اندازه آن اوقات راهم دیده‌ام که بواسطه آن دولت تزاری از بقاء و استقلال ایران مأیوس بودیم خداوند تفضل کرد و ترتیبی پیش آمد که آن یأس‌مبدل بامیدبلکه اطمینان شد . بنا براینکه کاری ندارم به‌مسئله سیاست‌داخلی دولت شوروی که مربوط بمانیست ولکن باید تصدیق کنیم که در امور خارجی سیاستی داشته‌است که برای مامفید بوده است این را برای این عرض کنم که بنده‌اینطور حل‌میکنم که‌قدری دراذهان نگرانی‌حاصل میشود هروقت که گفتگوی این‌پیش‌میآید که دولت ایران بایك دولت دیگر قرارداد می‌بندد چرا اینطور است ؟ چرا هروقت که صحبت این میشود که دولت ایران بایك دولت دیگری قرارداد ببندد نگرانی حاصل میشود ؟ علل بسیار دارد و بنده‌نمیخواهم طول کلام بدهم علل تاریخی دارد یك علتش‌این‌است که در ادوار گذشته روابط بین‌دول وملل‌اساساً خصومت بودوهرملت همهٔ ملت‌های دیگر را باخودش‌خصم و دشمن میدانست وخودش‌هم باآنها شاید همین حال‌راداشت‌پس بنابراین‌روابط بین‌الملل درقدیم‌مبنی برعداوت بود تدبر محبت پس‌این‌امر دراذهان‌مردم فکری گذاشته و راسخ کرده است که‌همیشه خارجی واجنبی رادشمن‌بدانند وانسان‌وقتی کسی رادشمن خود دانست البته درارتباط باو راه احتیاط‌می‌پیماید این یکی از آن علل . حالا درخصوص مملکت خودمان چرا این اندازه وحشت هست از اینکه دولت ما داخل مذاکره و انعقاد قرارداد با دول دیگر بشود این بنا بر وقایعی است که واقع شده است متأسفانه در گذشته مخصوصاً در گذشتهٔ نزدیك یعنی دراین صد ، صدوپنجاه سال آخر ما درمواجههٔ بعضی از دول متحمل صدمات و لطمات شده ایم و خسارات از جنگ و مغلوبیت دیده‌ایم و در نتیجه آنها عهدنامه هائی منعقدشده است که آن‌عهدنامه‌ها درنظر مردم ایران‌نمیتوانست مورد محبت واقع شود مثل عهدنامه گلستان مثل عهدنامه ترکمان چای و بعضی عهدنامه‌های دیگر که بعد منعقد شده است ولیکن همین عهدنامه که مابین دولت ایران و دولت شوروی در بیست سال قبل منعقد شد و آقای اوبخت بآن اشاره کردند همین باید یك اندازه آن اوقات مارا متوجه کرده باشد که بطورکلی و اصولاً عهدنامه بستن با دولت خارجی لازم‌نیست چیز بدی باشد و ممکن هم هست که یك عهدنامه‌ای ببندند که خوب باشد ولی بنده اینطور حس میکنم که ما هروقت گفتگوی بستن‌عهدنامه میکنیم فوراً متوجه بدی آن‌میشویم .

یکی‌ازمطالب آقای اوبخت‌هم این بود که چطور شده است وچه دلیل دارد دولتین شوروی وانگلستان تعهد رعایت استقلال دولت ایران‌را میکنند اما دولت ایران تعهد رعایت استقلال آنهارا نمیکند گمان نمیکنم این‌سؤال جواب‌خیلی طولانی لازم داشته باشد برای اینکه رودربایستی که نداریم ما اگر هم تعهد رعایت استقلال آنهارا نکنیم بر آنهاچیزی مزید نمیشود و مشکل بنظر می‌آید که ما واقع شویم در

مقامی ودر حالتی واقع شویم که بتوانیم به استقلال آنها خلل وارد بیاوریم یا بآن منفعت برسانیم ولی عکسش متصور است.

مذاکراتی فرمودند درباب بیطرفی و آنچه که بنده در آن باب گفته‌ام حقیقتش این است که دراین چند سال آخر بنده می‌بینم الفاظ و اصطلاحاتی که سابق بر این استعمال میشد و معانی خاصی از او مفهوم میشد کم کم طوری شده است که آن معانی خیاس از آنها مفهوم نمیشود و ابهام و اجمالی پیش آمده است که گاهی اوقات انسان را سر گردان میکند. منجمله از آنها همین لفظ بیطرفی است بنده امروز با نظری که در قواعد بین الملل داشته ام (اطلاعات خودم را میگویم که شاید ناقص باشد) و با این قضایائی که در این دوسه ساله اخیر واقع شده است اگر در مقام معلمی وشاگردی کسی بطور شاگردی از من سؤال کند که بیطرفی یعنی چه من نمیتوانم جوابش را بدهم بدلیل اینکه همانطور که آقای اوبخت ازقول بنده فرمودید بنده بیطرفی‌هائی دیدم که خیلی مختلف است دولت سوئد را بیطرف میگویند من هم بیطرف میدانم اما در عین حال آن دولت اجازه داد که قواومهمات آلمان ازخاکش عبور بکنند وبیاك مملکت دیگر برود. بیست سال پیش ازاین سی سال پیش ازاین دولتی اگر اینکار را میکرد از بیطرفی خارج شده بود بلکه شاید همین مسئله سبب این میشد که طرفی که برضررش واقع شده بود با آن دولت جنگ کند. اما در این دوره واقع شد واگر هم اعتراض وایرادی بدولت سوئد کردند ولی ترتیب اثری بآن ندادند وهیچکس دولت سوئد را جزء متخاصمین نداست الآن هم بهمان حال باقی است. یاك قسم بیطرفی دیگر بیطرفی دولت ترکیه است عرض کردم از روز اولی که مابین دولت آلمان از طرفی و انگلیس وفرانسه و رفقایش ازطرف دیگر جنگ واقع شد درهمان حین دولت ترکیه با دولت انگلیس ورفقای اومتحد بود عهدنامه اتحاد بست برخلاف آنچه که آقای اوبخت عقیده دارند که، اگر دولتی با دولتهای دیگر عهدنامه‌هائی داشته باشد دیگر نمیتواند با دول دیگری عهدنامه اتحاد ببندد. شاهد بنده همین دولت ترکیه است همین دولت ترکیه که الآن با دولت انگلیس متحداست بموجب عهدنامه با دول دیگر هم روابطش رادارد وعهدنامه دارد واین عهدنامه که بادولت انگلیس دارد منافی با آن عهدنامه‌های دیگری که بادول دیگر بسته است نیست بنابراین دولت ترکیه بادولت انگلیس متحد است و بیطرف هم هست.

مثال‌های زیاد دیگر لازم نیست بزنم خلاصه خیلی مشکل است که حالا آدم بداند بیطرفی یعنی چه چون حالا لفظ بیطرفی از آن لفظ‌هائی شده است که معنی آن کاملا معلوم نیست ومیتوان گفت دولت ایران هم باوجود این عهدنامه مادام که با دولت دیگر اقدام بجنگ نکرده است باز هم بیطرف است. از این بالاتر این است که دولت چین چهار سال ونیم است که با دولت ژاپن مشغول جنگ است دیگر جنگ از این بالاتر هم که نمیشود هرقسم عملیات خصمانه‌ای که شما تصور بکنید دولت ژاپن نسبت بدولت چین و همچنین دولت چین نسبت بدولت ژاپن کرده‌است، قتل‌است، بمب انداختن است، خاك متصرف شدن است، هرگونه عمل خصمانه کاملا واقع شده معذلك دولت چین رسماً با دولت ژاپن در جنگ نبودتا چند روز پیش، همین چند روز پیش برحسب مقتضیاتی اعلان جنگ داد. حالا بنده آیا حق ندارم عرض کنم که این الفاظ که سابق بر این میگفتیم حالا معانی آن معلوم نیست الآن معنی جنگ چیست؟ یاك ماه پیش ازاین دولت ژاپن با دولت چین در جنگ نبود از آنطرف هر چینی ژاپنی را میدید میکشت وهرژاپنی چینی را میدید میکشت وهرجارا میتوانست تصرف میکرد با این حال معنی جنگ چیست؟ پس تصدیق میفرمایند که الفاظ اینقدرها در معنایش مصرح و مسلم نیست.

ضمناً در بیانات‌شان که بنده یادداشت کرده‌ام مثل این بود که چنین داشته‌اند دولت ایران بموجب این عهدنامه خودش را مکلف به بیطرف بودن و به عدم دفاع کرده است اینطور نیست، دولت ایران بموجب این عهدنامه این حالت را دارد که آن دولی که با او اتحاد بسته‌اند او را نمیتوانند مکلف بکنند که جنگ بکند، نه اینکه دولت ایران خودش را مکلف کرده





ودست خودش رابسته است، شماهرساعتی که مقتضی دانستید داخل درجنگ با هردولتی دیگر بشوید میتوانید البته غیر ازدولت روس وانگلیس بموجب این عهدنامه که متعهد شده‌اید مگر اینکه این عهدنامه را بشکنید پس از اینکه این عهدنامه را بستید تا وقتی که آنرا معتبر بدانید با دولت روس و انگلیس جنگ نمیکنید ولی وقتی که آن را شکستید با روس و انگلیس هم میتوانید جنگ کنید. اکثر یقین دارم که نخواهید کرد فقط بموجب این عهدنامه دولت ایران را کسی نمیتواند مکلف بکند باینکه با دولت دیگری جنگ بکند ولیکن خودش اگر خواست البته میتواند. الآن آزادی دولت ایران را هیچکس ازاو گرفته است. این عهدنامه اگر بسته بشود آزادی از او گرفته نشده است که با هردولتی که بخواهد اگر مصلحت بداند جنگ میکند. البته بنده میدانم و آقایان هم تصدیق میفرمایند که دولت وملت ایران همیشه صلح طلب بوده وهیچ دلیل هم ندارد که باهیچ دولتی داخل جنگ بشود گفتگو گفتگوی اصولی است یعنی اختیار از دولت ایران سلب نشده است که اگر بخواهد بادولت دیگری جنگ بکند میفرمایند ایران درمعرض تجاوز نیست که کسی بگوید اگر بشما تعرض و تجاوزی کردند ما دفاع میکنیم: بنده دلم میخواهد انشاءالله اینطور باشد ولی قضایائی که در دنیا پیش آمده است وپیش آمدهائی که شده است وموقع جغرافیائی ما چنان است که بنظر بنده هیچو اطمینانی بما نمیدهد. چطور میتوان مطمئن شد که هیچ دولت دیگری قصد تجاوز و تعرض بدولت ایران هیچوقت نخواهد کرد یا نمیتواند بکند. بنظر بنده مطلب بقدری واضح وظاهر است که احتیاج ندارد بنده توضیح بدهم میفرمایند این عهدنامه را ماوقتی منعقد کردیم جلب دشمنی بعضی ازدول دیگر را نسبت بما میکند مثل این است که مطمئن هستند که اگر این عهدنامه نباشد دولتهای دیگر وقتیکه مصلحت خودشان را دانستند وخودشان را محتاج دیدند بمامتعرض واعمال خصومتی نمیکنند بنده این اطمینان را ندارم نظایرش را ده مرتبه بیست مرتبه شاید درظرف این دو سال دوسال و نیم گذشته دیده‌ایم. لازم است که اسم ببرم و بگویم. مثلاً دولت دانمارك آیا بیطرف بود یا نبود. آیا مستقل بود یانه آیا کاری کرده بود که موجب این بشود که او را قبضه کنند بنده نمیخواهم اینجا وارد تنقید وانتقاد بشوم نسبت به عملیات دولتهای دیگر شاید دولت آلمان هم حق داشته‌است وعذر داشته‌است بنده آن را کاری ندارم ولکن آنچه که بنده میدانم این است که دولت دانمارك دولتی بود که قوه نداشت بادولت آلمان جنك بکند تمام دول دنیا استقلال او را شناخته بودند قبول کرده بودند عهدنامه هم با همه دول دنیا داشت وکاری هم نکرده بود که مورد اعتراض آلمان بشود معذلك دولت آلمان او را قبضه کرد چرا؟ برای اینکه اگر از آلمان بپرسید خواهد گفت مصلحت من این بود یا خواهد گفت میترسیدم یامطلع بودم که دشمن من میخواهد باآنجا دست بیندازد وچون دشمن من میخواهد دست بیندازد من ناگزیر بودم وهمین عمل نسبت بدولت ارو ژواقع شد نسبت بدولت بلژیاك واقع شد نسبت به یوگوسلاوی واقع شد نسبت بهمه شد عرض کردم بنده کار ندارم به اینکه خوب کردند یا بد کردند شاید خوب کرده باشند ولی مقصودم توضیح این معانی است که ما اینجا نشسته‌ایم در یاك گوشهٔ از دنیا نمیتوانیم مطمئن باشیم باینکه هیچکس هیچوقت بما تعرض نخواهد کرد واینها هم از نظر دشمنی نیست بنده نمیگویم دولت آلمان بادولت دانمارك دشمنی داشت حالا هم ندارد میگوید من با شما دوست هستم اما محتاجم باینکه ازناحیهٔ شما مطمئن باشم واگر این پیش آمد شد خدای نکرده وامیدوارم پیش نیاید آن وقت بودن این عهدنامه و نبودنش هیچ فرقی نمی کند اگر بناشد که دولتی مصلحت واقتضای حال خودش را داشت که به دولت ایران و بخاك ایران تعرض کند برای مصلحت خودش میکند میخواهید شما متحد باشید میخواهید نباشید یکی ازبیانات آقای اوبخت که یاك قدری بنده را متعجب کرد این بود که ظاهراً اعتراض میکردند بر دولت شوروی که چرا این عهدنامه را می بندد در صورتیکه تعهد کرده است که بادولت دیگر بر ضد ایران متحد نشود خوب این عهدنامه که الان میبندد مگر با آن عهدی که آن وقت کرده است مخالفت دارد؟

آنرا تائید می کند دولت شوروی بموجب یك عهدنامه با دولت ایران تعهد کرده است که بادولت دیگری برضد دولت ایران داخل معاهده نشود اینطور میفرمائید دیگر ؟ ولی تعهد کرده است که با دولت ایران متحد نشود بر ضد دولت دیگر . استدلال غریبی است مگر اینکه باز هم بنده ملتفت نشده باشم . بازبیانی کردند مثل اینکه استناد کردند بقول علمای سیاسی اولاً اینرا در جزو بیست و نهم عرض کنم که استناد باقوال علمای سیاسی همه قسم میشود کرد ، شما اگر وارد اقوال آن علما و کتابهای آنها شده اید خودتان دیده اید که در یك موضوع هزار قسم بحث کرده اند ، محل اختلاف شده است که فلان اصل آیا معنایش چیست چنین است یا چنان است پس این اصول چیزهای مسلمی نیست قواعد موضوعه که با کمال صراحت دولت‌ها و مجالس ملی وضع میکنند باوجود این در معانی آنها دائماً اختلاف نظر پیدا میشود بلکه هر مرافعه که بدادگاهها و محاکم عدلیه میرود نتیجهٔ اختلاف نظری است که در تفسیر یك قانون پیش می آید یکی میگوید معنای این قانون و تفسیرش این است که من میگویم و بموجب این قانون حق بامن است طرف مقابل میگوید بموجب این قانون حق بامن است . اگر مطلب واضح بود و محل اختلاف نبود که نبایستی اختلافی تولید شود و با یکدیگر دعوی کنیم . اینها در قوانین موضوعه است که خیلی هم محکم است تا چه رسد بقوانین و قواعد بین المللی که این استحکام را هم ندارد زیرا مبانی قوانین بین الملل یکی معاهدات است یکی آداب و رسوم است مخصوصاً در آن قسمتی که راجع به آداب و رسوم است بطور قطع و یقین نمیتوان گفت فلان اصل اینطور است یا اینطور نیست .

این جملهٔ معترضه بود که معلوم شود این استنادهائی که بقول علمای سیاسی میفرمائید قاطع و مسلم نیست فرمودید اگر دولتی بادولت دیگر قطع روابط بکند باستقلال خودش را از دست داده است و همچنین فرمودید اگر دولتی با دول دیگر قطع روابط بکند مثل این است که خودش را کشته خیلی خوب بطور کلی و بطور عادی درست است و بنده هم تصدیق دارم که اگر یك دولت پیدا بشود که بگوید من با هیچ دولتی نمیخواهم رابطه داشته باشم و میخواهم قطع کنم رابطه خودم را باهمه دول البته این دولت مثل این است که خودش را کشته باشد زیرا اگر در قدیم الایام ممکن بود بدون رابطه با ملل دیگر زندگی کنند امروز کمتر زندگانی زندگانی بین المللی است ممکن نیست و هر دولتی محتاج است باینکه بادول و ملل دیگر زندگانی بکند و اگر بکند و قطع بکند زندگانی و حیات خود را خفه کرده است اما این در حال عادی است ولی در وقتی که دول با هم در جنگ هستند این حکم صادق نیست حالا از ایران بگذریم تمام این دولی که با هم در جنگ هستند روابطشان با بسیاری از دول دیگر مقطوع است مثلاً دولت آلمان با دولت انگلیس و با دولت روس رابطه ندارد با امریکا رابطه ندارد با همهٔ این دولتهائی که در تحت تسلط او واقع شده اند جز مسئله سلطه و قهر وغلبه رابطه‌ای ندارد با خیلی از دولتهای دنیا رابطه ندارد پس دراینصورت آیا آلمان خودش را کشته است و باستقلال خودش لطمه وارد آورده است ؟ ! البته دائماً اینطور نخواهد بود این از برای مدت جنگ است وقتی که جنگ تمام شد عهدنامهٔ صلح بسته شد دوباره روابط بر قرار میشود دوباره زندگانی بین المللی را از سر میگیرند ، دولت ایران هم این عهدنامه را که می‌بندد موقت است دائمی که نیست . موعدش را که میدانید کی سر می آید بموجب این عهدنامه دولت ایران با بعضی از دول ارتباط دارد و ارتباط تام دارد و خواهد داشت و با بعضی از دول رابطه‌اش مقطوع میشود وقتی که جنگ تمام شد این عهدنامه از بین رفت دوباره آن روابط بر قرار میشود .

این مقدار از بیانات آقای لوبخت را بنده تواستم درخاطر بگیرم و بموجب این یادداشتهائی که کرده ام جواب دادم و چون خیلی مذاکرات طولانی شد باز رشته سخن را بدست آقایان میدهم .

رئیس — آقای امیر تیمور .

امیر تیمور — بشهادت همه آقایان در ادوار مختلفی که این بنده افتخار نمایندگی را داشته و در مجلس بخدمت





مشغول و بهترین دورهٔ عمر و جوانی را صرف خدمت مجلس کرده ام ظاهر سازی و فریبندگی و خودبستگی سرمایه‌ام بنده نبوده و بعبارت صریح تر عوام فریبی را دوست نداشته و شیوهٔ تظاهر نداشته ام اکنون هم که به پیروی از فرمودهٔ شیخ سعدی علیه الرحمه : دو چیز تیره عقل است دم فروبستن بوقت گفتن و گفتن بوقت خاموشی . شدت ضرورت را احساس و بحکم وجدان و وظیفه ناچارم که در اطراف پیمان وارد بحث شوم و علاوه من از خاندانی هستم که اجداد من یکی بعداز دیگری در راه خدمت بکشور جان داده و نمیتوانم در چنین موقعی ساکت باشم . خدا را بشهادت می طلبم که در این دقیقه جز ایران و ایرانی هیچ چیز نمی‌بینم و نمیخواهم بدون جهت بر دولت یا اشخاص و شخص آقای فروغی خورده گیری کنم . من از صدمات و مشکلاتی که براثر آشفتگی اوضاع جهان برای کشور پیش آمده و زحماتی که متوجه دولت شده بخوبی مطلعم و میدانم که دولت فعلی با هر دولت دیگری که فرضاً زمامدار باشد تا چه اندازهٔ باید با موانع و مشکلات فوق العاده داخلی و خارجی مبارزه و حصول موفقیت کامل هم بازمربوط بصلح و آرامش و تسکین اوضاع عمومی عالم است . بطوریکه گفتم چون عوام فریبی سرمایه بنده نیست پس بیم ندارم از اینکه بانهایت صراحت و شهامت عقیدهٔ خود را بگویم . از نظر خواص موقعیت جغرافیائی این کشور واز نظر اینکه دو دولت بزرگ و مقتدر و قوی پنجه دنیا یعنی روس و انگلیس درشمال وجنوب در همسایگی ما قرار گرفته بحکم وجوب هر عقل سالمی باید تصدیق کند که مناسبات ما با این دو دولت و با این دو همسایه باید دوستانه و وداد انگیز و از روی کمال راستی وصداقت و بر روی اصل احترام متقابل استوار و حسن مناسبات همجواری و صداقت کامل فیمابین محفوظ بماند و آنچه بنده اطلاع دارم از روزیکه مناسبات دیپلماسی بمفهوم و معنای عصر حاضر بین دول برقرار گردید و ما هم با دولتین روس و انگلیس دارای مناسبات دیپلماسی شده‌ایم تا بامروز هم رویهٔ دولت ایران نه تنها با آنها بلکه با کلیه دول همسایه حتی افغانستان و ترکیه و عراق دوستی کامل بوده و بر خلاف دوستی رفتاری نداشته‌ایم و همیشه در صیانت و حفظ حقوق مشروع هر یك صمیمانه کوشیده و اگر گاهی هم اختلافات ارضی و مرزی با همسایگان خود عراق و ترکیه و افغانستان پیدا کرده‌ایم سعی کرده‌ایم که اختلافات مزبور را دوستانه و از طریق صلح و مسالمت و لو آنکه بضرر ما هم باشد تمام کنیم برای چه اینکار را کرده‌ایم برای آنکه شعار باستانی ملت ایران که صلح خواهی و انسان دوستی است از دست ندهیم و برای حفظ این منظور یعنی صلح خواهی و مسالمت جوئی تا بحال دولت ایران در تاریخ سیاسی خودش در بند و بست‌های سیاسی با هیچ دولت برضد دولت دیگری سازشی نداشته برعکس همیشه در هر یك از ممالك روی زمین و کنفرانسهای بین المللی که مجامعی برای ترقی و تکامل بشریت و خدمت بفرهنگ و دانش عالم تشکیل یافته است صمیمانه شرکت و بهترین رجال خود را برای نمایندگی دراین قبیل مجامع فرستاده از بذل مال و مخارج فوق العاده مضایقه نداشته و از همکاری صادقانه دست برنداشته است و بهترین نمونه و مثال عضویت ایران در مجمع بین المللی است که از روز ایجاد این مؤسسه دولت ایران صمیمانه و با ایمان کامل برای دوام و قوام این مؤسسه که دولتین روس و انگلیس هم در رأس این مجمع قرار داشته واز شمار این مؤسسه چهارده ماده پیشنهادی صلح ویلسن و ماده چهارده آست که میگوید ایجاد یك جامعه عمومی ملل که مأموریت آن تهیهٔ تصمیمات متقابل برای آزادی و استقلال ارضی و سیاسی کلیهٔ دولتهای کوچك و بزرگ باشد بذل جهد نمود و تا بامروز هم که دول عالم یکی بعداز دیگری مؤسسه مزبور را ترك کردند هنوز دولت ایران عضویت خود را از دست نداده است پس این معتقدات سیاست خارجی ما را تشکیل داده است و روی این اصول رفتار کرده‌ایم و با کلیهٔ دول دیگری که با آنها جز روابط عادی و اقتصادی روابط دیگری نداشته‌ایم ساعی بوده‌ایم که جنبهٔ صداقت و شرافت خود را حفظ کنیم و از طرفی در جنگ بین المللی گذشته و در جنگ کنونی عالم برای اینکه مناسبات حسنه ما با دول خارجه در روابط دوستانه ما

بادولتین روس و انگلیس خللی وارد نشود و در خط مشی سیاسی ما کوچکترین ابهام و سوء تفاهمی باقی نماند و بآن واسطه خودمان هم از آتش سوزان و صدمات و لطمات جنگ بر کنار بمانیم و بهتر بتوانیم بصلح عالم و فرهنگ عمومی دنیا خدمت کنیم بیطرفی را پیشه ساختیم و با تمام وسائل و قوای خود دقیقاً این سیاست را پیروی و بموقع اجرا گذاشته و بهترین مساعی خود را در صیانت حقوق مشروع دولی که با ما روابط داشتند مخصوصاً دولت انگلیس و روس بکار بردیم که در تمام مدت جنگ و برای همیشه هیچوقت خطری از ایران بهیچیك از آنها متوجه نشود و مخصوصاً برای ابراز اثبات کمال حسن نیت و مراتب ودادخود نسبت بدولتین روس و انگلیس در تمام سرحداتی که در شمال و جنوب و شرق و غرب با آنها هم مرز هستیم یك نفر برپاد گان خودمان علاوه بر عدهٔ زمان صلح بیفزودیم و کلیهٔ شهرها و مرز و سرحدات خودرا باز و بحال بی‌دفاعی باقی گذاشتیم تا درمدتی که آنها متأسفانه گرفتار جنگند از طرف ما تشویش و نگرانی پیدا نکنند و حتی برای حفظ بی‌طرفی کامل و احتراز از هر گونه سوء تفاهمی اکیداً قدغن کردیم که رادیوی ایران اخبار جنگ و جز فتح و شکست هیچیك از دول داخل در جنگ را نگوید و برای اتباع بیگانه هم در ایران مقررات سختی و مراقبت شدیدی داشتیم که آنها هم نتوانند برخلاف رویه بی‌طرفی ما در تحت تأثیر احساسات خودشان اظهاری بکنند و یقین داشتیم که دولتین روس و انگلیس هم برای همیشه خاصه برای مدت جنگ رفتار بی طرفانه و خط مشی سیاسی ما را تقدیر و بیش از پیش در رعایت و جانبداری دوستی ما کوشش بکنند متأسفانه برخلاف انتظار و برخلاف دوستی بدون مقدمه و بدون هیچ دلیل و مجوزی قوای دولتین وجود چند نفر کارگر آلمانی و ایتالیائی را که در کار خانجات ایران از جنبهٔ فنی خدمت داشتند بهانه قرار داده بیطرفی ایران را نقض و به مملکت تجاوز و در حالی که هیچ قشون متخاصمی در داخل مرزهای ایران و در مقابل آنها وجود نداشت شهرهای باز و بی‌دفاع و بمباران و هر یك بوسیله قوای خود قسمتی از خاك ما را برای اجرای منویات خود اشغال نمودند که قضاوت این حمله و این تجاوز که برخلاف توقع و اصل دوستی است بهتر است بتاریخ واگذار شود و اطمینان دارم که روزی خواهد رسید که ملت انگلستان هم یکی از خبطهای سیاسی دولت خودش را تجاوز بخاك دولت دوست خودش ایران تشخیص دهد و البته برای هیچ ارتشی حمله بشهر های باز و بی‌دفاع کشور دیگری خوش آیند نیست . در صورتیکه وجود چندتن آلمانی که وجود آنها در ایران منشاء هیچگونه اهمیت واثری نبود ارزش این را نداشت که بایران کشوری که هزاران سال است استقلال خود را با شایستگی و شرافتمندی حفظ نموده تجاوز و ازاسارت آلمانی بایرانی اهانت و بیطرفی او نقض شود مگر برای دولتین روس و انگلیس مقدور نبود که مقاصد خود را دوستانه در ایران انجام دهند ؟ که برای ما این همه آشفتگی و پریشانی و سختی و اغتشاش و گرانی و قحطی ایجاد نشود و لطمهٔ باستقلال و تمامیت و شرافت باستانی این کشور وارد نشود ؟ ما کی و کجا گفته بودیم که باید چندتن آلمانی علی رغم آنها در ایران بمانند .

**وزیر فرهنك** (آقای تدین) ـ بنده اخطار نظامنامه دارم . این فرمایشات ایشان از موضوع خارج است . این مسائل در مراسلات ذکر شده و مجلس هم نظر خودشرا معین کرده است . حالا بنده اخطار میکنم

**امیر تیمور** ـ شما حق اخطار ندارید وکیل حق دارد اخطار کند شما وزیر هستید

**وزیر فرهنك** ـ بنده عضو دولت هستم حق دارم . آقای رئیس باید مواظب باشند . عجب رئیسی دارد مجلس . . .

**امیر تیمور** ـ آقا متانت و بردباری را اگر یك قدری رعایت بفرمائید بهتر است . بنده خارج از موضوع صحبت نمیکنم و خلاف مصلحت حرفی نمیزنم آقای تدین بنده شاگرد مکتبی نیستم بنده چندین دوره است در مجلس خدمت می کنم ونماینده هستم .

**اقبال** ـ عدهٔ کافی نیست

**امیر تیمور** ـ چشم صبر میکنم تا عده کافی شود

( در این موقع عده کافی شد )





**جمعی از نمایندگان** ـ بفرمائید آقا

**امیر تیمور** ـ ما کی و کجا گفته بودیم که باید چندتن آلمانی علی رغم آنها در ایران بمانند تا به بهانه آنها خودما مورد متجاوز واقع بشویم ؟ باز هم با این تجاوز و با همهٔ این مقدمات و در این لحظه از نظر اینکه تصمیم داشتیم مناسبات همجواری و دوستی دیرینه را از دست ندهیم و صلح طلبی و مسالمت جوئی خود مان را بعالمیان اثبات کنیم بامر شما آقای فروغی قوای نظامی ما ترك مقاومت نمود و بعد هم مقاصد و نظریات دولتین انگلیس و روس کلیةً انجام و استفاداتی که لازم داشتند نمود و تقاضای آنها که در مراسلات متبادله با دولت تشریح شده بالتمام از طرف دولت قبول شد مجلس هم باتوجه بمصالح عالیه کشور سکوت اختیار و از مبادلهٔ آن مراسلات بر دولت ایراد نگرفت و از آن زمان تا بحال هم که ازطرف دولت مساعی لازمه برای ابرازحسن تفاهم و صداقت کامل نسبت بآن ها مبذول شده است و راه هر گونه بهانه ونگرانی را مسدود کرده است مطابق این نامه ها دولتین انگلستان وشوروی صریحاً استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران را تأیید و تصدیق نموده و تعهد کرده اند که هیچیك از آن ها هیچ نقشه بر علیه استقلال یاتمامیت ارضی ایران ندارند و نیز تعهد کرده اند که وسائل تسهیل لوازم مورد احتیاج اقتصادی ایران را فراهم و درانجام امور اقتصادی باما کمك و مساعدت بکنند باز خود آن هامصر آدرخواست و در مراسلات خودشان تذکر داده اند که دولت ایران باید بیطرفی خودش را ادامه و محفوظ بدارد و تعهد کرده اند همین که وضعیت جنگی اجازه دهد قوای خودشان را از خاك ایران خارج کنند و درمقابل استفاداتیکه لازم داشتند نموده و آنچه ازما طبق این نامه ها می بایست بگیرند گرفته اند پس بطور کلی از نظر مقاصد آن ها نه مطلب تا تمامی باقی و نه درمناسبات جدیده و رفتار ما نکته بحال ابهام برجای مانده است که نگران شوند و عقد قرارداد و پیمان اتحادی ایجاب کند و اما قرارداد : من قبل از آنکه این قرارداد را به بینم وشنیدم که دولتین مذاکره پیمان اتحادی را با ما بمیان آورده اند پیش خودم تصور میکردم که میخواهند تجاوز و لطمهٔ که بایران وارد شده بدین وسیله تلافی و خسارات وارده بر ما را جبران و تعهد کنند اگر بواسطهٔ وجود آن ها در ایران دولت ایران او فرض مورد حمله و تجاوز آلمان یا دولت دیگری واقع و در کشمکش و مخاصمهٔ که دولتین درجنك بایکدیگر دارند شهرها ، دهات مزارع ، عمارات ، بناها ، راه ها ، پل ها مؤسسات ، ساختمان های این مملکت بر اثر این جنك و این کشمکش چه ازطریق هوا چه ازطریق زمین ویران وخراب و آسیب دید و یاافراد ایرانی درنتیجه بمباران ها و مصائب جنك کشته و از بین رفتند و یا خاك ایران اشغال شد و یا اگر بواسطهٔ اقدامات آن ها روابط تجارتی ما با دول دیگر مقطوع و قوهٔ اقتصادی ما ازبین رفت و مردم دچار گرانی وسختی وقحطی و پریشانی شدند آن ها تعهد میکنند که جبران کنند و به استقلال کامل ما احترام گذارند وقشون خودشان را از خاك ما خارج کنند و در هر کنفرانس صلحی که دردنیا تشکیل میشود با ما هم که متحد آن ها خواهیم بود متساویاً حق شرکت و مباحثه واخذ تصمیم میدهند؟ لکن این قرارداد که بنام پیمان اتحاد بمجلس تقدیم و امروز مورد بحث شده تمام اهالی این کشوررا دچار بهت وحیرت ساخته وهر گونه امیدی را بیأس تبدیل کرده است ، طبیعی است در کلیهٔ قراردادها اولین نکتهٔ که جلب توجه میکند این است که طرفین قرار داد چه چیزهائیرا بدست میآورند وچه چیزهائی ازدست میدهند تنها فصل این قرارداد موضوع استقلال سیاسی ایران است که بعقیده بنده همین نکته برای کشوری چون ایران که هزاران سال است با کمال شایستگی دارای استقلال بوده و بااستقلال زیسته وهن آورده است وبموجب قسمت ب از فصل سوم یك قسمت از حقوق حاکمیت خودرا باید بدولتین روس و انگلیس تفویض کنیم وطبق قسمت دوم از فصل چهارم نسبت بساختمان ها و تأسیساتیکه این دو دولت برای اجرای نقشه های خودشان در ایران احداث خواهند نمود و هیچ برای ما فایده ندارد ومحل احتیاج نیست خودمان را پابند

یك شرایط و تحمیلاتی میکنیم که بایستی به موجب قرار دادهائی که بعداً منعقد خواهد شد و هیچ نمیدانم شرایط آن تاچه اندازهٔ سنگین است تعهد میکنیم درصورتیکه نمایندگان مجلس این حق را ندارند قرار داد بعدی را که هنوز شرایطش را ندیده و نفهمیده تصدیق کنند ونکته ازهمه مهم تر این است که در درجه اول دولت و مجلس ایران بوسیلهٔ این قرار داد عمل تجاوزی که بایران شده تصویب کرده است وچیزی که درمقابل از این پیمان بما میدهند دو چیز بیش نیست یکی آنکه دو دولت همجوار متعهد میشوند که شش ماه بعد از خاتمه جنك قشون خود را از ایران خارج کنند و دیگر اینکه چنانچه از جانب دولت آلمان یا دولت دیگری بخاك ایران حمله شود این دو دولت از ما دفاع نمایند در صورتی که اگر آلمان بتواند بما تجاوز کند بواسطه وجود قوای دولتین در خاك ایران خواهد بود واگر دولتین روس وانگلیس هم درمقام مدافعه از این تجاوز بر آیند در حقیقت و واقع مدافعه از منافع اظامی خودشان نموده اند نه مدافعه از تجاوز بایران واگر ما بدانیم یك دولت بقصد تجاوز میخواهد بما حمله کند قوای ما توانائی در دفاع از کشور را میتواند نشان دهد و اگر در قضایای اخیر از طرف ما مبادرت بدفاع نشد فقط برای احتراز از خونریزی و حفظ صلح و سلم بود حاجت بتذکر نیست که هردولت دیگری هم که بجای ما می بود وقتی که بدون مقدمه و بدون خودآرائی از چندین نقطه مرزهای شمالی وچندین نقطه مرزهای جنوبی با قوای زیاد مورد تهاجم قرار گیرد قادر بمدافعه نیست و کمتر مملکتی در روی زمین وجود دارد که از دوطرف آن دوقوائی مانند قوای روس وانگلیس بآن حمله ور شوند واو قادر بدفاع شود واگر این فصل بنا باشد تصویب شود باید بدینطریق اصلاح شود هرگاه تجاوز قوای آلمان بایران برای وجود قوای روس و انگلیس در ایران باشد پس دفاع از این تجاوز هم بعهدهٔ خود این دو دولت خواهد بود واما بمناسبت منشور آتلانتیك که در این قرارداد از آن بحث و این قرارداد متّکی بآن شده است بد نیست که از روابط دیرینه ایران با آمریکا و اینکه از سالیان دراز روابط فیمابین تا بامروز در نهایت استحکام و دوستی برقرار مانده مختصری معروض شود ما نه تنها در تاریخ مناسبات خودمان با دولت آمریکا کوچکترین دلتنگی از آن دولت نداشته بلکه از جهات عدیده ازدوستی وصمیمیت دولت وملت آمریکا منافع بیشمار و بهرهٔ کاملی برده‌ایم و بگزاف سخنی نمیگوییم که بهترین مستخدمین خارجی ما مستخدمین آمریکائی ازقبیل شوستر میلسپو ـ ما کرماك وغیره بوده‌اند که از صداقت و لیاقت و امانت و درستی و کاردانی آنها دولت و ملت ایران کمال رضایت را داشته و آنها هم با نهایت صداقت بما خدمت کرده اند و از مدارسی که تا چندی پیش بتصدی آقایان آمریکائی در ایران داشتیم باز بهترین نتایج بما عاید شده وعدهٔ زیادی جوانان لایق و تحصیل کرده تربیت شدهٔ همین مدارسند که الآن هم مقامات مهمی را در ادارات ایران حائزند پس تاریخ روابط ما با آمریکائیها مشتمل برفصول دوستی است که ما خواهانیم همیشه همینطور باقی بماند وامید است این شائبه که تجاوز بایران بلافاصله بعد از ملاقات آتلانتیك و نتیجهٔ آن ملاقات واز اثرات آن منشور بوده است راست نباشد وتاریخ یك چنین قضاوتی نکند واینکه حضرت آقای فروغی معتقد خودتانرا فرمودید که سیاست خارجی ما امروز مدارش جنگی است که در دنیا جریان دارد پس باید تصدیق بفرمائید که جنگ متغیّر است و سرانوشت جنگ معلوم نیست، هیچکس نمیداند غالب کیست ومغلوب کدام است وخاتمه این جنگ بچه صورت بین طرفین خواهد بود. بعقیدهٔ بنده و با این مقدمه اگر ما از اصل بیطرفی تجاوز وسرانوشت خودمان را بسرانوشت جنگی یکی ازمتخاصمین مرتبط کنیم قماری کرده‌ایم که عاقبتش معلوم نیست و بحکم عقل و تجربه قمار برای کسی برد ندارد و بهمین دلیل بفتوای بزرگان عالم مذموم وحرام ومردود شده.

حضرت آقای فروغی اگر دولتین روس و انگلیس





میخواهند با ما اتحاد داشته باشند، با ما قرارداد به بندند بشرحی که در مقدمه عرض کردم چون طرفدار حسن مناسبات همجواری و دوستی ایران با این دو دولت میباشیم ما با کمال میل وافتخار دوستی آنها و اتحاد آنهارا استقبال میکنیم اما قراردادی که منافع ایران تأمین شود وبا شرایط متساوی در زمینهٔ احترام متقابل منعقد شود نه این قرارداد که بنظر بنده بمنفعت ما تمام نخواهد شد.

در خاتمه عرایضم بصفت یکنفر ایرانی و بنام نماینده پارلمانی ایران بتجاوزی که بخاك ایران و بیطرفی ایران نموده اند اعتراض میکنم.

**رئیس** ـ آقای اوحدی.

**اوحدی** ـ مقدمةً بنده هم تأسی بکنم به آقای محترم خودم و عرض کنم بآن قرآنی که در روز اول انتخاب در این مجلس قسم یاد کردم قسم است که موافقت بنده با این قرارداد عین مصلحت ایران است (یکی از نمایندگان ـ سایرین هم قسم خورده اند) منافاتی ندارد هم بنده قسم بخورم در موافقت و هم رفیق بنده قسم بخورد در مخالفت و هردو هم صحیح بگوئیم برای اینکه از سایر مذاهب صرف نظر میکنم فقط دین اسلام هفتاد و سه فرقه گویندهٔ لا اله الاالله محمد رسول‌الله دارد که سیزده فرقهٔ آنها شیعه هستند تمام اینها قسم میخورند و بیك عقایدی که البته درست میروند روی عقیده خودشان. او روی عقیدهٔ خودش درست میگوید درست تشخیص میدهد و بنده هم روی عقیدهٔ خودم اینطور تشخیص میدهم. چون مقدمهٔ این قرارداد هشت مادهٔ منشور آتلانتیك است که دومرد نجیب واصیل دو مرد سیاسی دنیا روی او آتیهٔ ملل را معین کرده‌اند اگر در این قرارداد عنوانی از تمامیت خاك ایران واز استقلال سیاسی وسایر چیزهای دیگر اسمی برده نمیشد و ما بودیم وهمان هشت ماده کافی بود برای نتیجه‌اش که حفظ میکرد هم تمامیت خاك و هم استقلال و همه چیز ایران را.

ماده اول ـ کشورهای انازونی و انگلستان بهیچوجه خواهان توسعه و ازدیاد اراضی خویش نیستند پس این مطلب معین می کند که دولت انگلستان از خاك ایران چیزی نمی‌خواهد. مادهٔ دوم ـ باهر گونه تغییرات درحدود اراضی ممالك که موردموافقت ملل ذی علاقه نباشد مخالفند

ماده ۳ ـ دو کشور انازونی و انگلستان حقوق هرملتی رابرای انتخاب حکومتی که مطابق میلشان باشد محترم میشمارند تابتوانند آزادانه تحت ارادهٔ حکومتی که خودانتخاب نموده‌اند زندگی کنند و امید دارند مللی که جبراً فاقد این حقوق شده‌اند حقوق مزبور بآنها اعاده گردد و همچنین مواد دیگر که البته بنظر آقایان رسیده است و بنده حاجت ندارم بقیهٔ مواد دیگر را بخوانم فقط عرضه میدارم از مادهٔ یك و دو و سه وچهار و پنج وشش منشور اتلانتیك تمامیت خاك وحدود واستقلال سیاسی واقتصادی تمام ملل بزرگ و کوچك غالب و مغلوب که یکی از آن ملل کوچك هم ایران است تأمین شده است بدیهی است در صورتیکه متفقین فاتح و پیروزمند گردند تمام ملل کوچك و بزرگ غالب و مغلوب از آن مواد استفاده میکنند. نظرم دراین موافقت بجهاتی است که عرض میکنم یکی از آن جهات ایمان بنده بکابینه آقای فروغی است که تصور نمیکنم آقایان دیگر در این ایمان محتاج باشند که من یك قسم دیگر هم بالایش بخورم و چند روز قبل همین آقایان محترم رأی اعتماد بدولت آقای فروغی دادند واین آقای فروغی که ایمان داشتن باومسلم است پیش همهٔ ماها اواین قرارداد رابمجلس آورده است اوصلاح مملکت را بهتر از یکنفر مثل من تشخیص داده است برای اینکه این قبیل قضایا یك اطلاعاتی لازم دارد. اطلاعات سیاسی اطلاعات علمی اطلاعات وزارتخانه‌ای ووجودایشان ازوقتیکه بنده میشناسم ایشان راهمیشهٔ منشاء کارهای بزرگ بوده‌اند و همیشه داخل دراین جریات بوده‌اند و بقدر کافی هم ممالك خارجه باخارجیها و بادیپلماتها طرف سئوال وجواب بوده‌اند با وزراء و رئیس الوزراءها طرف سئوال و جواب بوده‌اند و یك اطلاعات کافی وشافی دارند وصلاح کشور ایران رااینطور تشخیص داده‌اند باهیئت دولت ویك چنین قراردادی راآورده‌اند این اول جهت اینکه بنده بااین پیمان موافقت دارم. دوم برای

این است که بدولت بریتانیا و دولت شوروی هردو همسایهٔ خودم ثابت بکنم که ایران نسبت بشما دونفر یعنی دو همسایهٔ صمیمی است و نظر دوستی و نظر یکدلی دارد و اثبات این قضیه که در مملکت ما در کشور ما جامعهٔ سیاسی برعلیه شما یا افراد دیگری بر علیه شما وجود ندارد همین حاضر شدن از برای خاطر این قرارداد است بیائید نگاه کنید اگر یك سوء ظنی از برای شما پیدا شد که اگر در کشور ایران یك دستهائی بر علیه شما درحال اقدام است ببینید هیچ دستی برعلیه شما نبود ماهم در کمال بیطرفی اعلان کرده بودیم که باهیچکس جنگی، ازاعی، دعوائی نداریم . صحبت دراطراف این قسمتها باید بعقیدهٔ من روی وضعیات فعلی برود نه روی زمان صلح وروی زمان عادی . یك سلسله بیانات و یك سلسله استدلالهای سیاسی منطقی و حکمتی اینها در جای خودش همه صحیح است ولی حالا بنده میخواهم درعین حال حاضر بگویم بیطرفم در حال حاضر کشور من چه حالی دارد یك دسته قشون اینطرف این سرحدم را گرفته یك دسته هم این طرفم را گرفته است بنده بااین حال میخواهم بگویم معنی اختیار را آقای نخست وزیر در آن مصاحبه‌ای که بامدیر اطلاعات کرده‌اند توضیح نموده‌اند حقیقة هیچکس نمیتواند دراطراف آن جواب یك کلمه حرف بزند خوب با این حال یك دسته قشون اینطرف روس آمده همانکه آن قرارداد کذائی را درفلان تاریخ بسته است همان آدم همانوقت بوزارت امور خارجه ما مینویسد دولت اتحاد جماهیر شوروی ودولت بریتانیای کبیر چنانکه در نامه مورخ ۲۵ اوت اشعار داشته اند هیچگونه مقاصدی که مخالف استقلال ایران و یا تمامیت ارضی آن باشد ندارند . در خاك ایران مجبور شده‌اند بعملیات نظامی مبادرت ورزند قرارداد هم داشته‌اند همه قسم با ایران روابط داشته‌اند ولی مینویسد که مجبور شدیم و وضعیت ایجاب کرد که ما نتوانیم حفظ کنیم قراردادی را که با شما داشتیم بالاختیار ما آمدیم بسمت شما آنوقت میگوید که دولت ایران الف ـ باید قوای خودش را از فلان قسمت خارج کند دولت ایران باید در ظرف یك هفته تمام کنسیهای آلمانی فلان و فلان را رد بکند ج ـ دولت ایران باید تعهد نماید که آلمانیها را در آینده بخاك ایران راه ندهد ـ دولت ایران باید تعهد نماید هیچگونه موانعی برای حمل و نقل کالاهائی که ازجمله مواد جنگی بمقصد اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر حمل میشود ایجاد ننماید و همچنین حمل کالاهای موادی را که در راههای شوسه وراه آهنهای ایران و یا در خطوط هوائی حمل میشود تسهیل نماید تمام را باید ایران بکند همینکه صاحب قرارداد است همینکه آن قرارداد کذائی را دارد و آنطور هم استقلال ایران را شناخته است اینطور تحمیل میکند که ایران باید اینطور باشد خوب وضعیت جنك بیشتر از همهٔ شماها بر من روشن است حقیقة آقایان میدانند خصوصاً نمایندگانی که بازرگانی دارند و اهل بازار هستند این نکته را بهتر از بنده ملتفت میشوند پریروز کبریت بوده است صندوقی شصت تومان امروز شده است هشتاد و پنج تومان تصور میکنم سه چهار روز دیگر صد و پنجاه تومان بشود ( افشار ـ باین چیز ها چه مربوط است ) حالا میگویم چطور مربوط است اگر یك قدری حوصله داشته باشید . قطع شد حمل و نقل آن جنسهائی که از اروپا ، ازآمریکا ازفلانجا برای کشور ایران میآمد حالا ایران است ویك همسایه انگلیس یك همسایه روس این را هم میخواهیم ازدست بدهیم اگر صلاح ملت و مملکت این است بنده عرضی ندارم این راهم باید بگوئیم آقا شما بدهستید بروید ما بیطرف هستیم باما کاری نداشته باشید بسیار خوب پس فردا تکلیف چیست شما تصور میکنید که بنده این عرایضی را که دارم میکنم یك عرایضی است که بی اساس است؟ بی حقیقت است؟ یك قدری تأمل بکنید دقت کنید بعد قضایا را خوب خواهید فهمید پس دولت ایران همیشه دوستی و همسایگی ملت بریتانیا و شوروی را محترم داشته و اعلان بیطرفی دولت ایران با صداقت وحقیقت بوده است که بعد از اینکه آمدند و ملتفت شدند که چیزی نیست خودشان بایستی رفتارشان را با ما عوض کنند بنابر این مقتضی نبود که دو همسایهٔ محترم بصرف یك سوء ظن باین دوستی و همسایگی و بیطرفی پشت پا زده و با رویهٔ خصمانه دو ثلث خاك ایران را اشغال کنند در صورتیکه وضعیت جنك حیاتی و مماتی برای دولت بریتانیا و شوروی ایجاب میکرد که بادولت ایران همان





همکاری را داشته باشند ممکن برد که بامسالمت این قضیه صورت بگیرد . دولت ایران برای حفظ همین دوستی امر بمقاومت کرد جنك داد . . . ( عدهٔ از نمایندگان ـ جنگی نشده بود ) برای حفظ دوستی دولت ایران امر بعدم استقامت داد . ( جمعی از نمایندگان ـ استقامتی در بین نبود ) مقصود این است که نخواست دوستی خودش را بادولت بریتانیا و با دولت شوروی بهم بزند برای اینکه در آتیه بتواند از دوستی آنها استفاده کند . در اطراف فصول این عهدنامه راجع بچند فقره بنده یادداشت‌هائی کرده‌ام که اینها را بعنوان پیشنهاد ارجاع بکمیسیون تقدیم رئیس مجلس میکنم که بعداً مورد شور و مذاکره قرار گیرد .

**وزیر فرهنگ** ـ برخلاف عقیده دوست عزیزم آقای امیر تیمور کلالی شاید بنده نظامنامه را فراموش نکرده باشم ایشان میدانند که بنده چندین سال در مجلس افتخار نمایندگی داشتم و مدتی هم افتخار ریاست مجلس را دارا بوده‌ام در دورهٔ که نطق و بیان خیلی آزاد بود و فحول از علمای سیاسی و بزرگان مملکتی در این مجلس بودند بنده همیشه معتقد بوده ام باینکه مجلس را احترام کنیم الان هم به همان عقیده باقی هستم و میدانم هم در آن دوره ها که دو نظامنامه خیلی بحث میشد این مسائل خیلی مورد بحث بود که وزیر وقتی می آید در مجلس شورای ملی چه وظایفی دارد در واقع او شریك نمایندگان است و حق دارد در یك مواقعی صحبتهائی بکند . منظورم از اینکه این مطلب را عرض کردم باز رعایت احترام مجلس بود چرا ؟ برای اینکه ایشان اشاره کردند بیك مراسلاتی که مبادله شده است بین دولت ایران و دو دولت دوست و همسایهٔ که ذکر آنها امروز مورد نداشت برای اینکه درچندی قبل دراینجا مذاکره شد و بعد رئیس الوزرای وقت (به بخشید نخست وزیر وقت) تقاضای رأی اعتماد کردند و مجلس هم رأی اعتماد داد و آن موضوع تمام شد حالا از سر گرفتن و مورد بحث قرار دادن تصور میکنم که خارج از موضوع است . . .

**امیر تیمور** ـ از سر نگرفتم استدلال کردم

**وزیر فرهنگ** ـ تشخیص این موضوع با آقای رئیس مجلس است بدون اجازه نباید حرف بزنید

**امیر تیمور** ـ بهمان دلیل که شما هم بدون اجازه حرف زدید

**وزیر فرهنگ** ـ خوب بنده قهر نمیکنم و عصبانی هم نمیشوم از این میگذریم (البته آتمسفر هوا مستعد است باینکه شاید یك احتراقی تولید شود ) ولی میخواستم چند تذکر بدهم به آقایان نمایندگان یعنی به آن آقایانی که صحبت کردند البته این تذکرات دوستانه است واز نظر خطابه و نطق مورد توجه است امروز همه ما ها در این پیش آمد شریك هستیم وبنا بر این هر کدام اظهاری که میکنیم فقط مبتنی برعقیده است . بنا بر این از هر گونه بیانی که یك سوء تفاهمی تولید کند باید اجتناب کنیم مثلی است معروف که یك سوزن بخودت بزن یك جوال دوز بمردم یکی از ناطقین محترم میگوید که خدا از بدکاران انتقام خواهد کشید البته بنده هم این عقیده را دارم اما این را در یك موقعی دیگر میگویم یکی دیگر میگوید من صرفاً از روی وطن پرستی اینجا مخالفت میکنم معنای این این است که دیگران که موافقت میکنند وطن پرست نیستند راست است که مفهوم مخالف حجت نیست ولی بین ادبا ( دکتر طاهری ـ کسی این منظور را ندارد ) بله عرض کردم بین ادبا مفهوم مخالف حجت نیست ولی عامهٔ که این تشخیص را نمیدهند و اینطور تصور میکنند شما که این بیان را میکنید شما وطن پرست هستید ولی دیگران خدای نخواسته وطن پرست نیستند . در صورتیکه اینطور نیست شما از روی عقیده خودتان میگوئید بنده هم میخواهم بگویم چه هستم و کیستم بنده هم عرض میکنم درعین اینکه وطن پرست هستم امروز صلاح مملکت را اینطور میدانم که این صلاح مملکت است پس بنا بر این از این قبیل حرفهای زننده باید اجتناب کنیم آقا ما که دعوی نداریم ما که پدر کشتگی باهم نداریم یك حادثه روی آورده است بمملکت ما میخواهیم بدون هیچ غرض وبدون هیچ مرضی بابرادری وبرابری بدون هیچ نظری این را حل کنیم حالا از این قضیه بگذریم . چون بنده هیچوقت وحشتی نداشته ام که آنچه راجع بخیر و صلاح

مملکت بوده است بگویم ممکن است در آن روزی که بنده آن حرفها را زده ام افکار حاضر نبوده است یا اینکه افکار از نظر احساسات مخالف بوده امیت ولی مرور زمان و گذشتن وقت بعد از چندین سال تصدیق کرده است عرایض بنده را بنا براین امروز هم با کمال سراحت در حضور نمایندگان محترم و بلکه چون میدانم که عرایض بنده بسمع عامه ایرانیان خواهد رسید در حضور تمام ملت ایران این عقاید خودم را عرض میکنم و بنده هم در آینده امیدوارم که تاریخ قضاوت کند یا اینکه همین نسل فعلی که الان هستند قضاوت کنند عرض میکنم همانطور که جناب آقای نخست وزیر اشاره کردند مواقع عادی با غیر عادی خیلی فرق دارد در اینکه هر دولتی اول وظیفه خودش این را میداند که حفظ منافع ومصالح سیاسی خودش را باید بکند خواه این دولت کوچك باشد خواه قوی باشد تا وقتیکه یك مزاحمتی برای منافع سیاسی او پیدا شود وقتی که مزاحمی برای منافع سیاسی او پیدا شد ( امروز اینطور شده است عصرما اینطور شده است ) او دفاع میکند وبرای دفاع ازمنافع خودش همه گونه اقدام میکند دیگر منتظر نیست که مردم ملل دیگر یك توقعاتی غیرازاین داشته باشند و همان طور که اشاره شده است امروز وضع دنیا ازابتدای این جنك جهان سوز برروی همین اصل بوده است وضعیت ما ازنظر جغرافیائی یك وضعیت خاصی است یك دولت قوی در شمال ( که درهرحال سیستم حکومتش هرشکلی باشد چون این قطعات خاك را ما نمیتوانیم از یك جا برداریم و درجای دیگر بگذاریم ) ازنظر خاك همسایه ما است که ملت روسیه و حکومت روسیه خواهد بود بهر شکلی باشد ازیك طرف دیگر یك دولت قوی دیگری است که آن دولت هم علاقه دارد و آن انگلستان است علاقه آنها به ایران علاقه تجمی است نه علاقه اصالتی باینمعنی که آنها درنظر دارند که استقلال ایران و تمامیت ارضی ایران ، از حیث اینکه اینجا ایران است به مخاطره بیفتد یا اینکه در مخاطره بیندازند وهیچ وقت این خیال را نداشته اند که استقلال ایران به مخاطره بیفتد بنده اینجا با صراحة عرض میکنم که در آینده هم این نظر را نخواهند داشت چرا؟ برای اینکه دولت انگلیس بالذات نظری بایران ندارد بلکه نظر آن نسبت بایران بالتبع است پس اگر علاقه به ایران پیدا شود از نظر این است که این یکی از ممالکی است که سر راه هنداست . خوب بنابراین امور حقوقی امور حقوقی بین المللی اینها یك کتاب هائی است که میدانید که همه اینها درموقع جنك کنار گذارده میشود روی ملاحظه ها . دراثر یك سیاستی که مربوط باین دورهٔ جدید نیست یعنی مربوط باین عهدنامهٔ اخیر نیست یك حوادثی اتفاق افتاد مسئول آن سوء سیاست ها هم ما نیستیم شاید ممکن بود بلکه بیك وجه بیکوئی بلکه نیکوتری این قضایا حل شود ولی متأسفانه شد حوادث نزدیك شد یك عده ازسمت شمال و یکعده از سمت جنوب آمدند بعد هم قضایائی که واقع شد همه آقایان میدانید که دراثر آن مراسلاتی مبادله شد ودر آن جا خاتمه یافت درموقعی که اینها آمدند بایك نظری آمدند ولی حالا که صحبت پیمان است بایك نظر دیگر است آن روز شاید بایك سوء تفاهماتی که درین بود آن حوادث پیش آمد امروز بوسیلهٔ این پیمان سوء تفاهم برطرف میشود این پیمان چه میگوید ؟ این پیمان میگوید که ما با شما بصورت یك دولت ضعیف و یك دولت مغلوب نگاه نمیکنیم این پیمان میگوید که ما شما را یك دولت مستقلی میدانیم و همان طور که ما پیمان اتحاد با یك دولت های بزرك دیگری بسته ایم باشما هم می بندیم بنابراین بنیما بنظر یك دولت نسبةً قوی نگاه میکنیم و با شما پیمان می بندیم و در این پیمان ما برای حفظ منافع خودمان ناچار هستیم که یك عملیاتی باموافقت دولت ایران دراین معبرهای خودمان در این خطوط ارتباط خودمان که بادولت روسیه میخواهیم قرار بدهیم بکنیم حالا ازدوصورت خارج نیست من امیدوار هستم بلکه هر ایرانی آرزومنداست و بلکه تمام افراد بشر آرزومنداست که هر چه زودتر این جنك خاتمه بیابد برای اینکه بشر خلق شده است از برای کشته شدن بلکه آن شاعر وفیلسوف ما میگوید بنی آدم اعضای یکدیگرند





ولی خوب منافع ما اینطور اقتضا میکند حالا اگر چنانچه قضایا خاتمه یافت و ایران میدان جنك واقع نشد اصلش نتیجه سوئی عاید ما نخواهد شد و اگر چنانچه خدای نخواسته ایران مورد جنك واقع شد این یك امری است که ما نمیتوانیم متأسفانه از آن جلوگیری کنیم زیرا ما قدرت وتوانائی نداریم که از این جنگ جلوگیری کنیم و مخصوصاً اگر یك دولت دیگری هم که خیلی قوی باشد وبخواهد وارد سرزمین ما بشود بنابراین مصلحت امروز اقتضا میکند که این سوء تفاهماتی که در سابق بوده است بوسیله این پیمان کاملا رفع شود و همان دوستی هائی که درقدیم بین ملت ایران واین دوملت بزرگ یعنی دولت جاهیر شوروی ودولت انگلستان بوده است بازهم برقرار شود و رفتار ما با آنها و رفتار انها هم با ما همانطور که سابقاً دوستانه بوده است بعدازاین هم دوستانه باشد حالا برای اینکه در آینده ممکن است یك نتایج دیگری پیدا شود برای اینکه عاقبت جنگ را کسی نمیداند که نتیجه چه خواهد شد وچه صورتی پیدا خواهد کرد این است که اگر بین ما و این دو همسایه یك پیمانی باشد البته آن موقعی که مقتضی شد که ما ازاین پیمان استفاده کنیم استفاده خواهیم کرد و یك سندی هم در دست خواهد بود و آن سند سندی است که بعداز تصویب مجلس تمام دنیا آگاه خواهد شد که این پیمان بین ما واین دو دولت منعقد شده و تصور نمیکنم که این دو دولت هم برخلاف این پیمان بخواهند رفتار کنند و آنچه تعهد کرده اند غیراز آن عمل کنند بلکه امیدوارهستم که یك حسن تفاهمی که امروز و در آینده هم صلاح ملت ایران است که بین ما واین دو دولت باشد بیشتر از پیش ایجاد بشود که ما بتوانیم بیشتر استفاده کنیم و وضعیت ما دچار ضعف وسستی نشود .

**رئیس** ـ آقای دکتر جوان .

**دکتر جوان** ـ بنده درنظر داشتم عرایض خودم را راجع به این پیمان بطور تفصیل عرض کنم و پیش بینی کرده بودم که لااقل یکساعت طول بدهم ولی چون می بینیم آقایان دیگر هم باید صحبت بکنند و از طرف دیگر راجع باین پیمان مذاکرات دوشوری است یعنی نماینده در هر دوشور میتواند صحبت کند بنده عرایضم را دو قسمت کرده ام یك قسمتی که مربوط بکلیات است و اعتراضات و ایرادائی که قبلاً تقدیم داشتم آنرا در این جلسه عرض میکنم و قسمت دیگر را درشور دوم و میتوانم از حالا پیش بینی کنم که مجموع مدت این عرایضم در دو جلسه بیش از یکساعت نخواهد شد. موضوع پیمان دولت شوروی و انگلستان موضوعی است که هرقدر بیشتر در آن صحبت شود مفاسد و زیان او برای کشور عزیز ما بیشتر روشن خواهد شد گرچه این پیمان عباراتش بسیار ناسلیس نوشته شده ومعلوم میشود که منحصراً از یك زبان بیگانه ترجمه شده ولی اگر دقت شود این پیمان جملاتش طوری ماهرانه بر ضد کشور ما تنظیم گردیده که هر جملهٔ آن بمنزلهٔ پرده ایست روی یك حقیقت تلخی وبنده میخواهم در این جلسه آنچه که وقت اجازه بدهد پرده از روی این حقایق تلخ بردارم برای اینکه بعدازاینکه توجه پیدا کردند سر و کار ایشان باچیست و بچه اندازه اهمیت دارد و در نتیجهٔ این رأی موافق یا مخالفی که میدهند راجع بچه مقدمات خودشان اقدام میکنند حتماً توجه بیشتری دراین امر خواهند نمود و حتماً راجع بمذاکراتی که از طرف آقایان میشود وصحبت میشود وقت را برای صحبتهای خصوصی صرف نخواهند نمود . آقایان بنده عقیده دارم که هیچ مسلکی در دنیا بهتر از مسلك حقیقت گوئی و حقیقت پرستی نیست وهیچ گناهی در دنیا بدتر از حقیقت پوشی و کتمان حقیقت نیست اغلب مفاسد اخلاقی ما ازقبیل دروغ گفتن ، تملق ، چاپلوسی و همچنین اغلب جرائم عمومی ازقبیل دزدی ، کلاه برداری ، خیانت تماماً ازمنابع حقیقت پوشیدن ریشه میگیرد بنابراین بعقیدهٔ بنده امروز بهترین جهادی که یکنفر جوان ایرانی یك فرد وطن پرست میتواند بکند عبارت ازجهاد و کوشش در راه حقیقت است بنده برای اینکه مقصودم را بتوانم عرض کنم ناچارم یك مقدمهٔ مختصری تذکر بدهم . آقایان میدانید که آزادی تمام ملت ایران در زمان شاه سابق تا اندازه‌ای بخطر افتاده بود و آزادی تا حدی بود که با منافع آن شاه تماس پیدا نمیکرد یعنی شاه سابق در کشور ما تسلط یافته بود .

**رئیس** ـ آقای دکتر جوان اینها مربوط بموضوع نیست

**دکتر جوان** ـ برای خویشتن منافعی تهیه دیده بودا عم از حق یا ناحق و آزادی مناهم هرجا که تماس پیدا میکرد محدودمیگردید بعقیدهٔ بنده بعدازحوادث شهریورماه آزادی ملت ایران بوجه شدیدتر بخطر افتاده و محدود شده ولی این حد تغییر وضعیت داده و آزادی ما تاحدی محدود شده که بامنافع سیاسی و اقتصادی دولت انگلستان و متحدین اوا صطکاك پیدا کند واین امرنتیجهٔ قهری و طبیعی اشغال شدن کشور ما از طرف نیروی بیگانه است آقایان میدانند در زمان ناصرالدین شاه امتیازی بنام امتیاز توتون بیك شرکت انگلیسی واگذار شد و میدانید ملت آنروزی ایران که کمرش زیر ستمهای ناصرالدین شاه خم گشته بود باچه شدت برعلیه آن قیام و آنرا لغو نمود و همچنین میدانید که در سال ۱۹۱۹ قرارداد ثومی که معروف بقرارداد وثوق الدوله شد تمام ملت باچه شهامت ودلیری برعلیه آن قیام کردند و آنرا لغو نمودند و اینکه بعضی گفته اند یا تصور کرده اند که الغای آن قرارداد ناشی از یك سیاست بیگانه بوده بخطا رفته و اشتباه کرده اند زیرا عقد این قرارداد تالغو آن چندان فاصله نداشته که تصور کنیم در سیاست دنیا یك همچو تغییری پیش آمده باشد وبااین ترتیب چه شده است این پیمان که متجاوز از دو ماه است در تمام کشور بین همه مورد گفتگو واقع شده آب از آب تکان نمیخورد . تصور نکنید برای این است که ملت ایران احساسات ندارد خیر علت همان است که عرض نمودم و کشور ما در زیر اشغال نیروی بیگانه است و آزادی ندارد که نمیتواند ابراز احساسات کند واگر شنیده اید و در جرائد خوانده اید که در اصفهان عدهٔ از بازرگانان میهن پرست تجمع کرده و تلگرافاً رد این پیمان راخواستار شده اند برای این است که خوشبختانه شهر اصفهان تااندازهٔ از اشغال نیروی بیگانه بدور است و نتیجه‌ای که از این مقدمه میگیریم این است که عدم ابراز احساسات ازطرف ملت و سکوت او دلیل رضایت ملت ایران باین پیمان نیست و ملت ایران نسبت باین پیمان رضایت ندارد ، (همهمه بین نمایندگان)

**رئیس** ـ در اصل موضوع صحبت کنید .

**دکتر جوان** ـ و اما مطالب بنده در اطراف ایرادات و اعتراضاتی که نسبت به پیمان مطابق نظامنامه قبلاً تقدیم داشته‌ام در فصل اول پیمان نوشته شده که ( دولت انگلستان تعهد کرده است تمامیت خاك ایران و استقلال سیاسی ایران را محترم دارد ) آقایان دقت کنید بنده دلائلی اقامه خواهم کرد که بکلی سیاست مارا ازدست ما گرفته اند . اینجا نوشته اند استقلال سیاسی ایران را رعایت کنند پس استقلال اقتصادی ایران کجا رفته است و اگر بطور کلی نوشته شده بود که استقلال کامل ایران راحترم دارد دراین قسمت ایرادی نداشت ولی قید عنوان سیاسی در پیمان استقلال اقتصادی را خارج میکند متأسفانه دراین ماده اکتفا شده بهزمان جنگ اگر این ماده نبود بنده میگفتم چند ساله و برای زمان جنگ است ولی آقایان مراجعه کنید بفصول بعدی در فصل سه و چهار و بعد در ضمیمه یك مجدداً همین تعهد طوری نوشته شده که از بین رفتن استقلال اقتصادی ماشامل زمان بعداز جنگ نیز شده و مینویسند که دول متحده متعهدشده اند که در پایان جنگ درهر کنفرانس صلح و همچنین در کنفرانسهای بین المللی دیگر حاکمیت واستقلال سیاسی ایران را رعایت نمایند در اینجا طور استقلال اقتصادی قید نیست واگر این دو دولت باما دوست و متحد هستند چه شده استقلال اقتصادی مارا در پیمان ذکر نکرده اند .

آقایان نمیدانید استقلال اقتصادی چیست ؟ بنده این را در کمیسیون عرض کردم و تذکر دادم جوابی که دادند این بود که جنگ دنیا برای اقتصادیات است دولت انگلستان برای خاطر اقتصادیات وارد خاك ماشده اند نمی آیند دراین قرارداد رعایت استقلال اقتصادی مارا بکنند .

آقایان : استقلال اقتصادی این نیست که یکروز تصمیم بگیرند کشت تریاك یا کشت پنبه بشود یا نشود . استقلال اقتصادی عبارت از حق استخراج معادن است حق ایجاد کارخانجات است حق تأسیس کارخانه ذوب آهن است که مادر صنایع میباشد وحق تنظیم تعرفهٔ گمرکی برای حفظ صنایع داخله است .





**سید یعقوب انوار** ـ همه میدانستیم کی اینها را از ما گرفته ؟

**نخست وزیر** ـ نه من این حرفها را زدم و نه استقلال اقتصادی این معنی را دارد .

**دکتر جوان** ـ آقا یکنفر نماینده حق ندارد صحبت کند و استقلال اقتصادی را معنی کند ؟

**انوار** ـ بنده هم حق ابراز احساسات ندارم ؟

**دکتر جوان** ـ آقای انوار این خنده‌های شما مخالف با گریه‌هائی است که میکردی . یکنفر نماینده حق دارد استقلال اقتصادی را معنی کند من دارم تعریف میکنم . استقلال اقتصادی که امروز از ما گرفته میشود .

**انوار** ـ کی از دست ما میگیرد .

**رئیس** ـ باید یك طوری حرف زد که آقایان بپسندند .

**دکتر جوان** ـ امروز روزی نیست که شما حق قانونی کسی را ازدستش بگیرید . بنده میدانم که زمینه برای این پیمان مهیا شده است بنده حرفی ازدم میگویم معنی استقلال اقتصادی چیست که رفقای عزیز بنده بدانند . میفرمائید که این استقلال اقتصادی ما گرفته شده است بنده عرض کردم که چرا استقلال سیاسی را قید میکنید واستقلال اقتصادی را خارج میکنید . استقلال اقتصادی همانطور که عرض کردم حق استخراج معادن . ایجاد کارخانجات . کشاورزی . حق نظارت درتعرفهٔ گمرکی حق نظارت در ارز خارجی و حتی تصمیم در انحصار داخلی و یا خارجی و یا عدم انحصار که مجموع اینها استقلال اقتصادی کشور است و کشوری که استقلال اقتصادی ندارد تجار ندارد ، کسبه ندارد ، ملاك ندارد ، صنایع و کشاورزی و بالاخره استقلال سیاسی ندارد وتنها داشتن حق فرستادن نمایندگان سیاسی در کشورهای بیگانه بدون استقلال اقتصادی بچه درد میخورد ؟ آقایان می بینید شاه سابق اگر درچند سال اخیر خوب کار نکرد و بدبختی برای کشور ما تهیه کرد اما در اوایل خدمات مهمی برای کشور ما نمود که تاریخ خواهد نوشت ازجمله شاه سابق کاپیتولاسیون را لغو کرد . آقایان کاپیتولاسیون تنها حق قضاوت قنسولها نیست بلکه کاپیتولاسیون داشتن حق تعرفهٔ گمرکی و استقلال اقتصادی و جلوگیری از ترقی صنایع داخلی است و اگر شما می بینید که بعد از اینهمه زحمت وخرابی دراین بیست سال باز هم در کشور ما خوشبختانه طبقهٔ نیرومند تجار و بازرگانان و یك صنایعی موجود است نتیجهٔ استقلال اقتصادی بوده است درهرصورت اگر آقایان بفرمایند چنین چیزی نبود یعنی استقلال اقتصادی ما از دست رفته بنده در پیشنهاداتم قید کرده‌ام ودر اعتراضاتم نوشته‌ام که با این کلمهٔ سیاسی را بردارید یا اینکه کلمهٔ استقلال اقتصادی را هم اضافه کنید رفع اشکال میشود بنده اعتراض کرده‌ام و بلکه دیدم آقایان نمایندگان دیگرهم در نظریاتشان پیشنهاد کرده‌اند درهرصورت در کمیسیون پیشنهاد خواهند کرد . اما موضوع دیگر که متأسفانه بنده را از روز اول با این پیمان مخالف کرده یعنی از روز اول قبل از طرح این پیمان بنده پیش بینی میکردم و آن موضوع فصل بعد است راجع بمعاضدت نظامی ایران درحدود امنیت داخلی آقایان میدانید معمای این چیست ؟ در این ماده میخواهند بگویند که ای ملت ایران ما در اینجا بشما خدمت کرده‌ایم خواستیم بگوئیم در جنگ خارجی با کسی طرف نشوید معاضدت نکنید . این حرف را زده‌اند . ولی این ماده را گذاشته اند ملاحظه خواهید کرد که این ماده صریحاً مارا طرف خواهد کرد هرنماینده‌ای حق دارد دلائلش را راجع باستنباطی که میکند عرض بکند اگر در این ماده نوشته شده بود که دولت ایران هیچگونه معاضدت لشکری نخواهد نمود اشکال نداشت آنوقت حرف آقایان که فرمودند معاضدت لشکری نخواهد نمود درست بود چون بطور کلی نوشته شده بود که معاضدت لشکری نخواهد نمود ولی نوشته شده است معاضدت لشکری در حدود امنیت داخله خواهد بود معمایش این است که بمحض اینکه درنتیجهٔ یك پیش‌آمدی امنیت داخلهٔ ما بهم خورد آنوقت ما بایستی معاضدت لشکری بکنیم . یعنی چه . اختلال امنیت داخلی این نیست که یك عده اشرار امنیت آنجا را بهم بزنند . خدای نکرده

اگر یك روزی از مرز شمالی و غربی ما یك دولت بیگانه تعدی کرد و نظامیان او وارد کشور ما شد و چند فرسخ در داخل کشور ما رفت آیا امنیت کشور ما در این قسمت که نظامیان بیگانه یا نظامیان آلمان وارد شده اند از بین نخواهد رفت و بهم نخواهد خورد ؟ آنروز آنکسی که بخواهد معاهدهٔ ما را بوضع شدیدتری ترجمه و استفاده کند بما نخواهد گفت که شما در عهدنامه تان نوشتاید معاضدت لشکری در حدود امنیت داخلی کنید این است که ازفلان مرز شمالی یا غربی امنیت داخلی ما بهم خورده است آقایان اگر میگوئید اینطور نیست پس مانعش چیست که این جمله را بردارید بنویسید که دولت ایران معاضدت لشکری نخواهد نمود اگر اینجا ایراد کنید که این را نوشته اند که حق انتظامات داخلی ما داشته باشیم در کدام عهدنامه دولت متعاهد قید میکند که من امنیت داخلی خودم را حفظ میکنم این را لازم نیست که کسی در قرارداد بنویسد یا اگر بنویسد این را فردا همین انگلستان یا متحدین او میآیند دست شما را میگیرند که خیر امنیت داخلی را حفظ بکنید خیر اگر اینجا نوشته شده بود که معاضدت لشکری نخواهد نمود اشکالی نداشت ولی چون نوشته شده است که معاضدت لشکری در حدود امنیت داخلی خواهد بود و با این ترتیب اگر یك روزی خدای نکرده در نتیجهٔ تجاوز یك دولت بیگانهٔ دیگری مانند آلمان اگر امنیت در چند فرسخ از خاك مقدس ما بهم خورد همین موضوع را بوجه شدیدتر بما خواهند گفت بنده علت اینکه در تعلیق گذشتهٔ خودم راجع بنظام وظیفه صحبت کردم پیش بینی‌ام بیجهت نبود برای اینکه بنده فکر میکردم یك دولت قوی مثل انگلستان وقتیکه وارد خاك ایران میشود معاضدت لشکری را با این قید بما تحمیل میکند این بود که پایهٔ آنجارا گذاشتم متأسفانه می بینم آن پیش بینی که من کرده بودم واقعیت پیدا کرده دلیلش هم این است که اگر شما این پیمان را با این وضع و این عبارت تصویب کردید بلافاصله خواهید دید که نظام وظیفه در این مملکت بوجه اشد اجرا خواهد شد وتمام جوانان ما فرستاده خواهند شد بخارج ( انوار ـ چرا تعبیر غلط میکنید ؟ ) در هر صورت همانطور که بنده در اعتراضاتم نوشتهام اینجا اگر این طور نیست و بنده غلط فهمیده‌ام شما بیائید و شور اول است در مذاکرات اصلاح کنید بنویسید دولت ایران معاضدت لشکری نخواهد نمود رفع این اشکال خواهد شد . ملاحظه کنید در اینجا در قسمت استفاده‌هائی که دولت انگلستان میخواهد از کشور ما بکند وهمچنین روابط ما را قطع کرده اند با دولت ثالث بنده در قسمت روابط چیزی نگفتم برای اینکه این یك امری است انجام شده البته اگر امروز یك کسی بیاید بگوید که این جور نباشد مثل این است که ما در صدد جنك با انگلستان باشیم . از این نظر بنده راجع به این امر چیزی نگفتم زیرا چنین اتفاق افتاده است و آن ها زور دارند و همچه امری هم کرده اند ولی در مادهٔ دیگر مینویسد هر گونه قراردادهای مالی دیگر که دولت اختیار دارد و قراردادهای مالی دیگری ببندد برای آقایان شما به بینید استخدام یك نفر خدمتگذار بیگانه که ماهی پانصد تومان بگیرد قراردادش را میآورید بمجلس در صورتیکه یك قراردادهای مالی میخواهید با دولت انگلستان و متحدین او که با هست و نیست ما سر و کار دارند چرا این اختیار را بدولت میدهید آنجا هم بنده در اعتراضاتم نوشته‌ام که باید تنظیم این قرار دادها با اجازهٔ مجلس شورای ملی باشد درهر صورت بنده چون میخواهم عرایضم را مختصرتر کنم در آخر ناچار هستم یك مقایسه‌ای بکنم راجع بوضعیت این پیمان . آقایان ملاحظه بفرمائید جناب نخست وزیر در جلسهٔ گذشته در توضیحات خودشان فرمودند که بالاخره این پیمان تهیه شده ومثل یك معامله‌ای بوده است حالا آقایان ملاحظه کنید عجب معامله‌ای بوده است در یك معامله یك تعهدی ازطرف دولت انگلستان شده که ایران را درمقابل تجاوز دولت سوم حفظ کند حالا در کفهٔ دیگرش چه گذاشته‌ایم در کفهٔ دیگر این معاهده ما آمده‌ایم استقلال اقتصادی را بعقیدهٔ بنده از دست داده‌ایم





آمده‌ایم جوانان کشور را مصادف کرده‌ایم بایك خطر قریب احتمالی همچنین در کفهٔ دیگر که عبارت از قراردادهای مالی است درعوض اینکه میخواهند ما را حفظ کنند در مقابل اجنبی بعقیدهٔ بنده یك تعهدی است که باندازهٔ پر یك پشه برای ماوزن ندارد استقلال‌مان را داده‌ایم معاضدت لشکری با آن وضعیت این معامله معاملهٔ صحیحی نبوده است این معامله خیلی شبیه معاملاتی است که شاه سابق در مازندران کرد که قباله رعایا را گرفت سند مالکیت هم گرفت و آخرش دیدید چه صورتی پیدا کرد !

نخست‌وزیر ـ آقای دکتر بحمدالله هم اسماً و هم رسماً جوان هستند ونفسشان نفس تازه جوانی است بنده متأسفانه پیرم ونفس ندارم که حرف بزنم واميتوانم آن حرارتی را که ایشان در بیاناتشان ایجاد میکنند ایجاد کنم در وجود خودم حرارتی نیست این است که نمیتوانم حرارتی ایجاد کنم بعلاوه بنده احتراز دارم از اینکه بیاناتی بکنم که از روی عصبانیت باشد یا از روی احساسات باشد بلکه سعی دارم همیشه عرضی که میکنم از روی تعقل ومنطق باشد فقط یك صفتی دارند آقای دکتر جوان و آن صفت خوب است وخیلی هم خوب است ولی خوبست که یك معدل ومسکنی هم داشته باشد آن صفتی که ایشان دارند این است که در عقاید خودشان راسخ هستند البته این صفت خوبست اما همیشه با اصول عقلیه خوبست که شخصی این حالت را هم داشته باشد که حرف طرف مقابل را ولو اینکه مخالف نظر او هم باشد گوش بدهد تأمل کند . تماماً عقیده اش این نباشد که من فهمیده ام وطرف مخالف که با من مخالفت میکند نفهمیده است شاید طرف هم فهمیده باشد بنده این احتمال را میدهم همیشه در عقاید خودم من هم رسوخ دارم اما وقتی فهمیدم که من اشتباه کرده بودم آنوقت از آن عقیده راسخ خودم صرف نظر میکنم تا وقتی که آن دلائل را نفهمیده ام و اقناع نشده ام به آن عقیده خودم باقی بوده ام حالا هم اینقدر راسخ نباشید درعقایدی که اظهار فرمودید و یقین داشته باشید که صحیح است اینطور نیست اولاً دراین عهدنامه



ذکر نشدن استقلال اقتصادی دلیل براین نمیشود که استقلال اقتصادی ما متزلزل باشد این که گفته‌اند استقلال سیاسی شما را ما رعایت میکنیم این دلیل نمیشود که سایر استقلالهای شما رعایت نمیشود حالا آقای دکتر جوان میگویند که چرا استقلال اقتصادی ما را ذکر نکرده اند عرض میکنم که استقلال سیاسی بمنزله حیات و وجود یك دولتی است یعنی نسبت بدولتها بمنزله حیات و وجود شخص است استقلالهای دیگر تبع این است فرع این است اگر استقلال سیاسی شما محفوظ بماند آنوقت استقلال اقتصادی خودتان را هم تا آن اندازهٔ که ممکن است محفوظ بماند حفظ خواهد کرد ید اما اگر استقلال سیاسی نداشته باشید وجود ندارید این استقلال که حفظ شد هر چیز را هم که نداشته باشید میتوانید تحصیل کنید آن چیزی را که بیان کردید بنده نگفتم ومعنیش این نبود که بنده گفته‌ام که استقلال اقتصادی ما را از ما گرفته اند یا میگیرند یا محدود میکنند خیر اشخاصیکه در کمیسیون بوده اند اطلاع دارند بنده گفتم کسی نمیتواند تعهد بکند که استقلال اقتصادی یك کسی دیگر یك دولتی دیگر را محفوظ نگاه دارد و آن بدست خودش است بنده عرض کردم مواردی پیدا میشود که یك دولتی حاضر میشود تا اندازهٔ استقلال اقتصادی خودش را از دست بدهد از برای مصلحت و مثال زدم و گفتم آیا شما معتقد هستید باینکه دولت ها باید باهم عهدنامه تجارتی به بندند یا معتقد نیستید اگر معتقد هستید که دولت‌ها بایستی عهدنامه تجارتی باهم به بندند هر عهدنامهٔ که می بندید یك مقداری از استقلال اقتصادی خودتان را محدود می کنید در اینصورت چطور یك دولت دیگری ضمانت بکند که استقلال اقتصادی شما محفوظ بماند اگر شما استقلال سیاسی داشته باشید اگر عهدنامه تجارتی به بندید واستقلال اقتصادی خودتان را محدود کنید یك کاری است که باختیار کرده اید این چیزهائی را که معنی کردید از برای استقلال اقتصادی اینها هیچکدام ربطی به استقلال اقتصادی ندارد واینها همه جزو استقلال سیاسی و حاکمیت دولت است دولتی که حق حاکمیت او بر قرار

باشد حق دارد معدن خودش را استخراج کند دولتی که حاکمیت او برقرار باشد حق دارد کارخانه احداث کند (صحیح است) و اگر باین دلائل قانع نمیشوید بنده قسم میخورم و استقلال اقتصادی همین است که عرض کردم که یك دولتی میاید قبول میکند که فلان امر از فلان جهت اقتصاد خودش را محدود کند مثل اینکه بنده مثل آوردم شما هم ذکر کردید بنده این مثل را آوردم گفتم در آن زمانی که جامعه ملل بر قرار بود جامعه ملل که یك جامعه بود برای حفظ استقلال همه دول من جمله دولت ما و ما هم در آن جامعه عضویت داشتیم و بواسطه عضویت در آن جامعه هیچکس نمیگفت که ما استقلال خودمان را کاسته ایم هر چند زندگی در جامعه مستلزم این است که انسان یك اندازه‌ای هم از استقلال خودش بکاهد بهمان دلیل که ازادی برای افراد گفته اند ازادی تام و تمام نمیتواند باشد برای اینکه مقصود از قانون این است که من آزادم بدلیل اینکه در مملکت ایران بحمدالله آزادی برقرار است من هم آزادم اما بعضی کارها را نمی‌توانم بکنم برای اینکه قانونی است ازاین جهة نمی گویند که او آزاد نیستی بهمان دلیل هم دول درزندگانی بایکدیگر یك حدوحدودی برای خودشان قائل میشوند که آن حد وحدود منافی بااستقلال نیست عرضم در جامعه ملل بود همانوقت که ماعضو جامعه ملل بودیم واستقلال کامل هم داشتیم ووضعمان هم ازامروز خیلی بهتر بود جامعه ملل در آن روز عبارت از پنجاه‌شصت دولت بود میخواست ومشغول بود که یك قراردادی تهیه کند وبامضاء دول برساند که درباب کشت تریاك ومصرف تریاك یك حدودی برقرار نماید دول بسیارشان قرارداد را امضاء کردند وآنهائی هم که امضاء نکردند در شرف امضاء بودند که یك حوادثی پیش آمد که نتوانست آن نظر خودرا انجام دهد و اگر این حوادث پیش نیامده بود شاید این قرارداد امروز عمومیت پیدا کرده بود و ما هم جزو آن بودیم و تسهیلاتی کرده بودیم یا راجع بزراعت تریاك یا راجع به کشت تریاك و یا نسبت به تجارت تریاك یا نسبت بمصرف تریاك ملاحظه میفرمائید که مردمانی که باهم زندگانی میکنند همینطور که اجتماع می کنند انجمن میکنند. آیا حزب را میشود منکر شد که نباید حزب در مملکت باشد بنده که این عقیده را ندارم بنده عقیده دارم که حزب در مملکت باید تشکیل شود بلکه بدون حزب لااقل دولت مشروطه نمیتواند وجود داشته باشد معنی حزب چیست؟ معنی حزب این است که پنج نفر صد نفر هزار نفر پنجهزار نفر با هم داخل یك حزبی میشوند تعهد میکنند که با هم کار کنند نظرهای خودشان را با هم وفق بدهند نتیجه آن این است هر فردی از آن آزادی نظری که دارد یك اندازه و یك حدی صرف نظر کند حالا اگر در یك حزبی بود و در آن حزب خواستند که یك نظرهائی را به او تحمیل کنند که او مضر بداند خوب از آن حزب بیرون می‌آید و کار نمیکند ولی وقتی که کار بدان جاها رسیده است البته هر کس که داخل حزب میشود تابع عقاید دیگران میشود زندگانی اجتماعی مستلزم این است مثلا در همان جامعه ملل راجع به تریاك گفته میشد که مرفین در بعضی ممالك نسازند و هیچکس هم ایراد نکرد که این مخالف استقلال اقتصادی فلان مملکت است خیر مصلحت نوع بشر اینطور اقتضا میکند که مرفین را تا یك حدی بسازند که همه مردم دنیا مرفینی نشوند که برای مصلحت دنیا بداست پس بنابراین همان دولتی که مقید به استقلال سیاسی واقتصادی خودشان بودند قبول کردند و تمکین کردند به اینکه ساخته شدن مرفین محدود باشد باین که در بعضی از ممالك ساخته شود یا ساخته نشود این تعریفی بود که بنده عرض کردم راجع به استقلال اقتصادی پس بنابراین امیتوان بیك دولتی گفت که من استقلال اقتصادی شما را حفظ میکنم و تعهد میکنم خیر شما خودتان مختارید استقلال دارید آن اندازه که مصلحت خودتان است حفظ کنید و آن اندازه که مصلحت تان نباشد محدود کنید بنظر بنده این مسئله خیلی غامض نیست بنده مکرر گفتم و آقای دکتر جوان در عقیده خودشان راسخ هستند و توجه نمیفرمایند بحرف طرف مقابل یك چیزی دیگر در بیانات ایشان بود که خیلی مفصل بود وبنده در آن قسمت فقط بطور اختصار عرض میکنم که در آن فصلی که گفته میشود معاضدت دولت ایران





محدود بحفظ امنیت داخلی است آنوقت میفرمایند که این حق میدهد بدولت انگلیس که معاضدت لشکری دولت ایران را بخواهد اولا نفهمیدیم چرا فرمودند دولت انگلیس و هم دولت شوروی گفتند این عهدنامه باعث میشود دولت انگلیس و شوروی معاضدت لشکری دولت را هم بخواهند درصورتیکه امنیت داخلی برقرار نباشد این استدلال غریبی است اولا هر دولتی مکلف است امنیت داخلی خودش را خودش حفظ کند و دولت ایران هم امنیت داخلی خودش را خودش حفظ میکند انشاءالله ولی امنیت داخلی این نیست که یك قشون اجنبی بیاید برهم بزند بکلی مملکت را آنوقت بدان مملکت بگویند شما که نمیتوانید استقلال داخلی خودتان را حفظ کنید پس بیائید امنیت داخلی خودتانرا حفظ کنید و لشکر بکشید اینطور نیست بنده این‌طور نمی‌فهمم که گفته شده است بموجب این فصل که دولت مکلف نیست باینکه با دولتین انگلیس و شوروی شرکت بکند در جنگ با یك دولت خارجی (صحیح است) ولی امنیت داخلی خودش را باید حفظ کند اگر خدای نخواسته یکمرتبه پانصد هزار قشون از یك دولت اجنبی وارد مملکت شد و برهم زد تمام مملکت را آنوقت کسی خواهد توانست بما بگوید که آقا بیائید امنیت داخلی خودتان را حفظ کنید آخر اینها یك چیزهای گفتنی نیست یك چیز واضحی است بدیهی است نظری نیست که بنده استدلال کنم روی آن بعضی امور بقول حکما اقدر بدیهی است که وقتی بخواهند استدلال کنند نظری و محل شبهه میشود در صورتیکه اینجا هیچ محل شبهه نیست یك کلمهٔ دیگر عرض میکنم راجع بقراردادهای مالی بنده نمیدانم از کجا استفاده کرده‌اند باینکه این عهدنامه دولت را مجاز میکند باین که هرقرارداد مالی که بخواهند با دولتهای شوروی وانگلیس ببندند چنین چیزی بوده‌است بموجب قانون اساسی هرقراردادی که میخواهد باشد وقتی که میخواهند با دولت خارج یك قراردادی ببندند بایستی با تصویب مجلس باشد (صحیح است) در این عهد نامه هم گفته شده است که این عهدنامهٔ اقتصادی باید بتصویب مجلس برسد و بدیهی است که باید برسد پس باید در این قرارداد قید کنیم دولت میتواند قراردادهائی دراین زمینه با دولتین شوروی و انگلیس منعقد نماید البته نمیدواریم که هرچه زودتر بسته شود و بعضی از آقایان که نظر دارند تکمیلاتی نسبت باین عهدنامه صورت بگیرد آن روزی که این قراردادها بسته شد وما با طرف مقابلمان مواجه شدیم قرارداد را می‌آوریم بمجلس شورای ملی و از تصویب مجلس شورای ملی میگذرد بنابراین شما یك چیزی را که خلافش گفته نشده فوراً خلافش را حکم داده‌اید آنوقت با این حرارت مخالفت میکنید.

رئیس — آقای لیقوانی.

**لیقوانی** — بنده پیشنهادی تقدیم کرده‌ام. موافقم.

رئیس — آقای سزاوار.

**سزاوار** — چون مخالفت بنده بیشتر نسبت بمواد است بنابراین بنده اصلاحاتیرا که در نظر گرفته‌ام پیشنهاد میکنم ودرموقعش بعرض میرسانم.

رئیس — آقای شاهرودی.

**شاهرودی** — بنده پیشنهادم را تقدیم کرده‌ام.

رئیس — آقای انوار.

**انوار** — جسارت میکنم به آقایان رفقای خودم آقایان لحن صحبت را بکلی تغییر داده‌اند عنوان صحبت کردن در کلام آن روح گوینده در کلام باید ظاهر باشد نه اینکه بنده روزنامه بخوانم حالا گذشت. چون هرشیئی که موجود است چهار وجود دارد وجود کتبی ولفظی وعلمی و خارجی بهترین وجودی که پیدا میشود این است که وجود خارجی هم با او موافقت بکند وتأثیر در وجود آن بکند یعنی کلام متکلم تأثیر در مخاطب بکند آقای امیرتیمور کلالی زود تند شدند دراین بین هم آقای دکتر جوان که رفیق صمیمی بنده هستند تند شدند تصدیق بفرمائید این که یك کلماتی که احساسات را متأذی میکند شما میفرمائید موجب نگرانی فکری میشود شما میفرمائید استقلال اقتصادی و فلان و فلان از دست رفت خدا شاهد است که بنده دیوانه می‌شوم

برای این چیزهائی که میشنوم و احساسات مرا تحریك میکند وجریحه دار میشود بنده یك آدمی هستم احساسی هنوز بمرتبه عاقله که مطالب را کلی عرض کنم نرسیده ام تا یك امری توجه کنید فوق العاده متأثر میشوم ودلتنگ میشوم این بود که امیدوارم شما بدل نگیرید . موضوع مذاکره این بود که بااین پیش آمدی که واقع شده است میخواهیم متحد بشویم و آقای رئیس الوزراء یك معنائی برای این اتحاد کردند و بعد یك مثلی زدند پس با این ترتیب دیگر چی باقی می‌ماند امروز برای ما این ترتیب پیش آمده است شما میفرمائید اینطور با این ترتیب ما چطور میتوانیم اتحاد داشته باشیم ؟ ما باید با یك ترتیبی اتحاد داشته باشیم که این سوء تفاهم ازبین برود وسوء تفاهم تبدیل به حسن تفاهم بشود تا ما بتوانیم ازاین حسن تفاهم برای مملکت خودمان استفاده کنیم حسن تفاهم چه چیز است چیزهائی است که در اینجا نوشته شده است باز موجب سوء ظن میشود و احساسات ما را جریحه دار میکند از جمله چیزهائی که نوشته شده است این است که تمام آن جاهائی که محل احتیاج است آنها در دست میگیرند و بما هم اجازه میدهند که ما هم استفاده خودمان را از آنها بکنیم آقا اینها مال ماست ما باید در دست بگیریم و استفادهٔ خودمان را بکنیم به آنها هم داده شود به این که ما از آنها درموقع احتیاج بخواهیم و بگویند خیر آلان موقع نیست مثل تلگراف تلفون راه آهن راه شوسه محل هواپیمائی و سایر چیزهائی که هست بنده پیشنهاد کرده ام و در موقع خودش عرض میکنم موضوعی که هست این است و ازجمله چیزهائی که بنده متوجه هستم این است که هیئت دولت دراین باب توصیه میکنند که حسن تفاهمی ایجاد شود شما میفرمائید حسن تفاهم حسن تفاهم چطور میتوانیم داشته باشیم و احساسات‌مان جریحه دار نشود وقتی که آنها میآیند باایران ومطابق ماده ۶ عهدنامهٔ دولت ایران با دولت جمهوری شوروی اگر درخاك ایران یك هستهٔ بر ضد منافع آنها واقع شود حق دارند بیایند به بینند ولی شما ملاحظه بفرمائید که بیرون کردن اینها را در خاك افغانستان چطور کردند با ما چطور کردند اینها یك نکاتی است آقای رئیس الوزراء که درتاریخ باقی میماند وجبران باید بشود آمدند در خانه ما خیلی خوب ما کی اقدام خصمانه نسبت بآنها کردیم ؟ ایران که اعلان بیطرفی داد عملیات دولت ایران بیطرفی بود و متمایل به بیطرفی کامل بود چنانکه وقتی در میدان توپخانه یك عدهٔ دست زده بودند نظمیهٔ ما آنهارا گرفت وحبس کرد چرا ؟ برای اینکه ما گفته بودیم ما بیطرف هستیم بیطرف متمایل به همسایه وتمام جهات بیطرفی را حفظ میکنیم بعد از آنکه در دوازده ماه پیش آقای رئیس الوزراء انگلستان تطقی کرد که کرانهٔ بحرخزر دروازهٔ هندوستان است و ما باید ایران را درتحت نظر بگیریم این موقعی بود که باحساسات ما توجه کنند نه این که ما هرجا سر بلند کردیم یك مانعی برای ما پیش آوردند وبرای ما یك سنگی بلند کردند . بنده فقط یك عرضی دارم که شما کاری بکنید که سوء تفاهم ایجاد نکنید و مابین ما حسن تفاهم ایجاد شود و این سوء تفاهم از بین برود اگر حسن تفاهم شد هم آنها استفاده میکنند هم ما استفاده میکنیم ولی اگر سوء تفاهم باشد وذهن مارا جریحه دار کرده باشند که در هرجا که برویم هزار گونه تاملایم به دل ما وارد شود فایده ندارد و آنوقت میگویند که یك قراردادی بطور فشار واقع شد پس باید بتمام معنی مارا یك دولت مستقلی بدانند که با همسایه خودش قرارداد اتحادی بسته است حقیقة این منشور آتلانتیك که امروز محل استفادهٔ ما واقع شده است حقیقةً مارا دولت مغلوب ندانند یك دولتی بدانند مستقل که بطور مستقل آمده است بادو همسایهٔ خودش برای سیاست خودش یك عقد اتحاد بسته است با این ترتیب کاملاً میشود که ما از این قرار داد استفاده کنیم اگر این ترتیب نباشد باز هر روز شما درمحظور هستید وما هم درزحمت. موضوعی که شما در این ماده به آن اشاره کرده اید راجع به کلمهٔ معاضدت وقوای تأمینیه بند، کاملاً با آن مخالف هستم با این کلمه برای اینکه دولت ایران دارای قوای تأمینیه و قوای دفاعی است این که مینویسد دولت مستقلی است والبته مستقل هم هست باید دارای قوای دفاعیه وتأمینیه باشد چرا





قوای ایران را منحصر کردید به قوای تامینیه ما در اینجا چه احتیاجی داریم که بیائیم بناهای نظامی بکنیم یا فرود گاههای هوائی درست کنیم یا چیزهای دیگر حسب این قرار داد نوشته اند بعد از آنکه خواستند بروند با یك شرایطی واگذار میکنند باچه شرطی ؟ دولت ایران شرطی ندارد ما که نخواستیم کی گفته که شما بیائید بسازید که حالا به ما بدهید برای استفاده جنگی و برای استفاده زندگی خواسته اید بنده با این قسمت هم بکلی مخالفم و پیشنهاد هم کرده ام باید همانطور که در جنك بین الملل واقع شد مجانا ول کردند ورفتند حالا هم بکنند و همکذا قسمتهای دیگر و مواد دیگری هم دارد که از خداوند تبارك و تعالی میخواهم که فرشته صلح زودتر درمیان بشر بالهای خودش را باز کند که این محظورات وزحمتها ازبین برود وخدا کند که بزودی روز صلح وشادی بیاید که ما ازاین گرفتاریها واین مخمصه‌ها بیرون بیائیم .

**نخست وزیر** ـ بیانات آقای انوار طوری نبود که بنده احتیاج داشته باشم زیاد مباحثه کنم فقط لازم است یك کلمه را توضیح بدهم که چرا ذهن ایشان مشوش شده است . این قوای تأمینیه که ذکر شده است هم تأمینی است وهم دفاعی این قوای نظامی که ما داریم و باید داشته باشیم البته کسی منکر نیست واین عبارتی که درعهدنامه ذکر شده است هیچ دلالتی ندارد که دولت ایران قوای نظامی و دفاعی نداشته باشد اینکه گفته شده است معاضدت قوای ایرانی معاضدت محدود به امنیت داخلی است و قوای ایرانی اعم ازپلیس اعم از امنیه اعم از هر چه داریم ومعاضدتی که آنها از ما تقاضا دارند معاضدتی جز امنیت داخلی خودمان نیست این را خواستم آقا از اشتباه بیرون بیایند .

**رئیس** ـ آقای مؤید احمدی .

**مؤید احمدی** ـ وقت گذشته است و آقایان هم خسته هستند نمیخواهم وارد بحث واستدلال شوم عرض بنده خیلی مختصر است بشرطی که آقایان توجه کنند . عرض کنم در عبارت آقای اوحدی یك فرمایش خیلی خوبی بود وبنده میخواهم عرض کنم که آقای وزیر فرهنك درجواب آقای امیرتیمور فرمودند وطن پرست معلوم میشود کس دیگر نیست خیر اینطور نیست همه وطن پرست هستند همانطور که آقای اوحدی گفتند بنده قسم خوردم که کار بد نکنم رازاین جهت کار بد نمیکنم ولی نمیشود گفت که چون من قسم خورده‌ام بنده رأی نمیدهم یا این که وقتی رأی میدهم خدای نکرده آن کار بد است این سوء استفاده نخواستیم این جا بشود عقیدهٔ آزاد است وهر کس درجهٔ فهمی دارد و درجهٔ استنباطی دارد و روی آن فهم و استنباط خودش صحبت میکند پس ازاحراز این مقدمه عرض کنم دیروز در کمیسیون خدمت آقای نخست وزیر و آقای وزیر امور خارجه یك موضوعی را عرض کردم وآن این است که البته خاطر آقایان مسبوق است که دردوره گذشته یعنی دورهٔ دوازدهم مابه سیاست دولت مطلع نبودیم نه ما هیچکس فقط میدانستیم که در جنك حاضر مابیطرف هستیم و میدانستیم که روابطمان باتمام دول حسنه است مخصوصاً با دول همجوار طبیعتاً هم باید همینطور باشد بعد یك روز صبح ما مصادف شدیم به این که آقای منصور آمدند و گفتند یك چیزو قضایائی شد حالا چه قضیه ای اتفاق افتاد که این موضوع پیش آمد ما نفهمیدیم بعدهم آن کابینه تغییر کرد و آقای فروغی تشریف آوردند آن قضایائی که بنده میخواهم توضیح بدهم وهمهٔ آقایان میدانند و آن مراسلاتی که آقای وزیر امورخارجه پشت سرهم قرائت کردند و آن مراسلات هم اشاره داشت به این بی طرفی بعد این پروژه بمیان آمد بعد یك مدتی هم ما از این پروژه اطلاع نداشتیم تا آقای نخست وزیر تشریف آوردند به مجلس و یك هیئتی از آقایان آن پروژه را قرائت کردند بنده افتخار حضور داشتم در خدمت آقایان بعد یك کنتر پروژهٔ باصطلاح آقایان تهیه کردند وتدوین کردند و در اطرافش صحبت شد نظریاتی داده شد بعد از آنهم ما اطلاع نداشتیم که این دفعه لایحه آمد . دیروز بنده به آقای نخست وزیر عرض کردم که آن پروژهٔ که تصویب شد ما خیال میکردیم که همان به مجلس خواهد آمد ولیکن دیدیم یك چیز دیگری است و آنها

قبول نشد در جواب فرمودند همانطور که پروژه آنها را ما تصویب نکردیم آنها هم مجبور نبودند که پروژهٔ ما را عیناً تصویب کنند منتهی من اطلاع نداشتم روی اطلاعات خودم بقدری که اطلاعات دارم وسی‌وشش سال است وارد زندگانی سیاسی هستم تواستم بنده خودم را قانع بکنم که این قرار داد باین شکلی که هست برنفع ما است حالا عقل بنده حکم است ممکن است ، معلومات بنده کم است ممکن است ، آقایان بهتر از بنده فهمیده اند ممکن است ، بنده بهتر از آقایان فهمیده ام ممکن است (خندهٔ نمایندگان) بنده با این قرار داد و با این طرحی که آمده است مخالفم اگر پیشنهادات آقایان پذیرفته شود شاید والا تازمانی که وضعیت اینطور است بنده کاملاً باین پیمان مخالفم وازمخالفین جدی این قرار داد هستم و این را برخلاف مصلحت و صلاح مملکت میدانم .

رئیس ـ آقای یمین اسفندیاری .

یمین اسفندیاری ـ بنده تصور نمی کنم که برای بیان عقیده احتیاجی باشد که هردفعه قسمی خورده باشم برای بنکه این وظیفه عمل شده‌است وبرای دوسال دورهٔ نمایندگی کافی است و من چون این وظیفه را عمل کردم احتیاج به تکرار آن ندارم . آقای انوار اظهار کردند آقایان مطالبشان را روی کاغذ مینویسند تصور میکنم کسانی که حافظه‌شان وافی نیست عرایضشان را مینویسند چنانکه الآن هم بنده همین کار را کرده ام وبعرض آقایان میرسانم :

راجع به پیمانی که فعلاً در این جا مورد شور ومطالعه است بحث ومذاکرات زیادی شده عقاید موافق ومخالفی اظهار واز طرف آقایان نمایندگان پیشنهادهای اصلاحی هم داده شده است اینك بنده هم بعنوان موافق خاطر عموم را بیك نکته حساس متوجه می کنم . هر قراردادی بهر اسم و رسم که بین دول بسته میشود شدت یا ملایمت اجرا و یا عدم اجرای مفاد آن فقط بسته بحسن نیت و یا سوء نیت طرفین متعاهدین است . اصولاً متن قرار داد ها را طرفین همیشه با تردید و کشدار و مبهم نوشته و هر یك از طرفین برای خود مزایائی از آن تردیدها و کش ها وابهام ها تصور می کنند البته مقصود آن است که در جریان عمل طرز رفتار و کردار طرف دیگررا مطالعه کرده وخود نیز بهمان نحو رفتار نماید مسلم است هر یك از طرفین قرارداد قوی تر باشد در پیش بردن مقاصد خود بیشتر پافشاری مینماید وآن طرف ضعیف ناگزیر است مقاصد طرف قوی را بیشتر مورد توجه و رضا قرار دهد فقط این امید و انتظار را می توان داشت که در موقع اجرای مفاد آن باشان دادن حسن نیت از فشار مقصود بکاهد . وضعیت کشور ما فعلاً چنین است : قوای دو دولت همسایه ما در خاك ایران هستند در این موقع که جنگ جهان را گرفته وهر کسی بفکر خودش است با آن سابقه همه میدانیم اقتدار یکه دول همجوار ما داشته ودارند وبا این وضعیت وفشاری که ما داشته وداریم دراثر این پیش آمدها فشارهای اقتصادی سختی بما روی آورده که باید برفع آن اقدام مؤثر نمود . تصدیق می‌فرمائید که اکنون در کوچه وخیابانهای اروپا هر کشوریرا که در نظر بگیرید و بهر جا که بروید بجای چهره های بشاش و فعال که عادت طبیعی آنها است همه را متفکر ومتألم ومتأثر خواهید دید بجای لباسهای رنگارنك ومزین که عادت روزانه آنهاست تمام زنها ومردها را سیاه‌پوش وعزادارخواهید دید بااین حال همه کارمیکنند برای جنك ووقتی که فراغت حاصل می کنند بفکر آذوقه وقوت لایموت می افتند بااینهمه گرفتاری خبر مرك بستگان آنها یکی بعد از دیگری میرسد . قدری آن اوضاع را در نظر خود مجسم کنیم آنوقت قدر این نعمت فعلی را بدانیم . پیشنهاد عقد همین پیمان با آنهمه مشقات و فشار حقایق هم که فرض میشود دربردارد بعقیده بنده وشاید بعقیده بعضی دیگر کمك مؤثری است از جهت بهبودی اوضاع فعلی ما که بعدها قطعاً تاریخ قضاوت آنرا خواهد کرد فعلا از گذشته باید درس عبرت گرفت وبفکر ترمیم آتیه بود من معتقدم که این پیمان باید امضاء و مبادله شود در عین حال نظرهای اصلاحی آقایان نمایندگان هم بوسیله چند ضمیمه و پروتکل هائی که تا حدی از فشارهای عمومی و اقتصادی آن بکاهد





فیمابین دولت ایران ودول متحده مبادله گردد فقط دراجرای مفاد آن باید چه ازطرف دولت و ادارات و چه ازطرف ملت و افراد نهایت حسن نیت را بخرج داد تا بحد امکان جلب اعتماد و اطمینان دول نامبرده را نمود و ازفشارهای وارده عملاً کاست بطوریکه خودشان راه خودرا گرفته وبا اطمینان خاطر عقب کارهای دیگرو واجب‌تر خود بروند و الا هرقدر هم درمفاد آن جرح و تعدیل شود وقتی که با سوءظن باشد هیچ فایده بحال کشور نخواهد داشت ازهمین حالا بایدحسن نیت را نشان داد پیمانی‌است که قبلاً بین نمایندگان سه‌دولت شور و مذاکره شده و نمایندگان دو دولت بزرگ آن را امضاء کرده‌اند هنوز میدانهای جنگ هزارها کیلو متر از مرزهای کشور ما دوراست واگر وقایع اخیر پیش‌نیامده بود لازم بعقد این پیمان هم نمیشد شاید باین زودیها هم جنگ بکشور ما نزدیك نشود زیرا هنوز موانع زیادی در پیش است و امیدواریم با تفضلات خدای متعال دامنه جنگ اساساً باین سامان سرایت نکند بعقیده من دلیل موقع ما احتیاج بکمك‌های فوری اقتصادی داریم باید کوشید و دول متحده را متوجه بوخامت اوضاع اقتصادی فعلی کشور کرد ومخصوصاً بآنها تذکر داد که ما با اینکه خیلی مقتصد وقانع و کم مدعا هستیم این عادت هم در طبقات مختلفه توده مورد توجه می‌باشد که حتی‌المقدور مایحتاج خودرا همیشه حاضر داشته باشند آنها هم با اینکه کارهای فوری و فوتی زیاد دیگری دارند بقدری فکرشان وسیع ومتوجه تمام دنیااست وبا ما هم خصومتی ندارند ومیل دارند دوست وصمیمی باشند باز متوجه شده و یقیناً کمك‌های مؤثری هم می کنند .

بایدتوجه کرد که کالاهای صادراتی مارا بخرند احتیاجات واردانی مارا رفع کنند کشتی‌های بازرگانی انگلیس وآمریکا که بترتیب به بنادر خلیج آمده وبار خود را تخلیه کرده و بار مارا نگرفته وخالی به‌بنادر عراق وهند میروند ودرآنجا بار میگیرند برای احتیاجات ما هم بار بیاورند وبارهای مارا هم ببرند ما را هم مشمول قانون وام و اجاره کنند . واردات وصادرات ما را دیگر مشمول ( جواز عبور دریائی ) ندانند کالاهای موجود را بصاحبانشان رد کنند و آنچه برده شده وچون مثل همیشه باهم دوست وصمیمی وهمکار هستیم حسابهای آنهارا توجه داشته باشند با صاحبانشان تصفیه شود ومردم و خدا را از خود راضی نمایند .

تقاضای دیگر این است با مردم و افراد مستقیماً کاری نداشته وهرتعهدی ازافراد می‌خواهنددولت خودمان موظف باشد ازافرادتعهدات لازمه رابگیرد ویا دستورات لازمه رابدهد اینهاست که بعقیده من بایددراین موقع که مذاکرات دوستانه وصمیمانه در جریان است از حل وتصفیه آن دربغ ومضایقه نشودتاهم مقاصد آنهااجراء وهم مقاصدمامنظور گردد وازهمین حالا اگر تشنجاتی‌هم در بین عدهٔ از افراد کشور باشد مرتفع وبعقیده بنده ورفقایم ملت بادولت یکدل ویك جهت بتوانند مشغول کار باشند .

**بعضی ازنمایندگان** ـ مذاکرات کافی است .

**رئیس** ـ آقای طوسی .

**طوسی** ـ بنده یك‌قسمت عرایضی‌داشتم ولی چون فعلاً بوضعیت کنونی مجلس نگاه میکنم لازم میدانم از اغلب عرایض خودم صرف‌نظر کنم همانطور که نمایندهٔ محترم خودشان را پایبند قسم دیدند بنده‌هم بقسمی که در مجلس خورده ام پایبند و معتقدم فهم و تشخیص شخص بنده بااین شکل پیمان بکلی مخالف‌است از این جهت از هرحیث بطور کلی حتی بامواد آن مخالفم مگرطوری موادتنظیم شود که مجال باشد واجازه بدهند که با فرصت بیشتری بنده بتوانم مطالعه و موافقت داشته باشم باطرز فعلی بنده بااصل آن و مواد آن بکلی مخالفم و پیشنهاداتی که لازم‌بوده‌است تقدیم میکنم‌درهمین موضوع‌هم . دوپیشنهاد دارم که تقدیم میکنم‌یکی مربوط به‌بنده و آقای نراقی و دیگری مربوط به‌بنده و چندنفر دیگر است تقدیم مقام ریاست میکنم .

رئیس ـ آقای آزادی .

**آزادی** ـ البته آقایان حق‌دارند خارج تشریف ببرند برای‌اینکه مدتهااست صحبت شده‌است وحالاهم اگرآقایان موافق نیستند که بنده عرض کنم مانعی ندارد ( جمعی از

نمایندگان ـ بفرمائید ) والا مجلس را از اکثریت انداختن تصور نمیکنم انعکاس خوبی داشته باشد و اگر مجلس از اکثریت بیفتد و آقایانی که اجازه خواسته‌اند نتوانند صحبت خودشان را بکنند تصور نمیکنم خوب باشد .

عرض کنم اصولا عقد پیمان بین دو دولت مبتنی بر مناسبات همجواری و روابط سیاسی واقتصادی ودربعضی مواقع احتیاج ضروری است و از سه قرن باین طرف بواسطه موقعیت جغرافیائی مناسبات ما با دولتهای روس و انگلیس روبه فزونی رفته و روز بروز روابط سیاسی و اقتصادی فیمابین توسعه یافته است روی این مناسبات عهدنامه‌های مختلفی بطور انفراد وجداگانه باهریك از دو دولت منعقد کرده‌ایم که پایهٔ روابط سیاسی و اقتصادی کشور مابادو دولت بوده است . در جنگ کنونی که دامنه‌اش روز بروز وسعت یافته وخردخرد تمام دنیا در این آتش سوخته ومیسوزند از ابتدا چنانکه رویه صلح‌طلبی مابود بیطرفی خود رابه‌جهانیان اعلام وبهیچوجه کوچکترین قدمی مخالف مقررات بیطرفی برنداشته‌ایم . در سوم شهریور قضایای ناگواری برای کشور ما پیش آمد و روی همان رویه بیطرفی وصلح طلبی یادداشت‌هائی بین دولت ما و دو دولت روس و انگلیس مبادله شد که تا کنون همان یادداشت‌ها و مراسلات متبادله پایه مناسبات سیاسی واقتصادی بین کشور ما و دولتین است . اکنون معلوم نیست چه‌علتی ایجاب کرده است که این پیمان بین کشور ما و دولتین روس و انگلیس منعقد شود یروی دولتین بکشور ما آمده وهرچه‌خواسته‌اند کرده‌اند وهرچه در این پیمان نوشته شده است تماماً در آن یادداشت‌ها قید و تصریح شده است وبتمام مواد نیز عمل‌شده است و بنده‌هرچه فکر میکنم ضرورتی برای عقد این پیمان نمی‌بینم خاصه این که بعضی قسمتهای این قرارداد ناقض یادداشت‌های سابق است بامقررات این لایحه ما جزء دول متخاصم میشویم هرچندتصریح شده که معاضدت قوای ایرانی حدود به‌حفظ امنیت داخلی در خاك ایران خواهد بود ولی برروی‌هم که ملاحظه‌میشود می‌بینیم که خواهی‌نخواهی ما در ردیف متخاصمین خواهیم آمد درحالی در ماده ٤ یادداشت سفارت کبرای شوروی مورخه ۸ شهریور ۱۳۲۰ و همچنین فقره ۱ و ۲ از یادداشت دیگر تصریح شده است دولت ایران باید بیطرفی خودرا ادامه دهد وبطور کلی روح این پیمان در سه قسمت خلاصه میشود : اول استفاده ازوسائل ارتباطیه که در یادداشت نامبرده نوشته شده وعملاً هم منظورخود را اجرا کرده‌اند . دوم نگاه داشتن قوای زمینی ودریائی وهوائی درخاك ایران تاپایان جنك که بازدرهمان یادداشت ۸شهریور ویادداشت‌های ششم سپتامبر قید شده‌است . سوم راجع باستقلال و تمامیت خاك ایران این قسمت بهیچوجه احتیاج به پیمان خاص ندارد زیرا یك کشوری که سه هزار سال تاریخ درخشان وپرافتخار دارد دیگر لازم نیست که هرساعت وهر دقیقه استقلال و تمامیت آن تضمین داده شود . خلاصه که در پیمان هائی که قبل ازجنك بین دولت ایران ودولتین بسته شده این جمله مکرراً تصریح شده است . بعلاوه همه ما میدانیم که این جنك بخصوص اکنون که دامنه‌اش بتمام دنیا کشیده شده در اول برای حفظ حقوق واستقلال وتمامیت ارضی ملل ضعیفه بوده است زیرا همه میدانند که قیام دولت و ملت انگلیس برای این جنك نه از این جهت بود که تعرض بخاك انگلیس شده یامنافع این دولت درخطر افتاده باشد بلکه تنهابخاطر حمایت ازملل کوچك وضعیف اقدام شده‌است گذشته ازاین درمنشور اتلانتیك که بین دودولت بزرك دموکراسی منعقد شده ودولت روسیه هم بآن ملحق شده آزادی واستقلال وحاکمیت وخود مختاری کلیه ملل دنیااعلام وتعهد گردیده‌است . ازهمهٔ اینها که بگذریم دولتین روس و انگلیس درپایداشت هائی که در تاریخ هشتم شهریورماه بدولت ایران داده‌اند استقلال وتمامیت خاك ایران را تضمین کرده‌اند وبنابراین احتیاجی بتکرار آن و انعقاد پیمان جداگانه نیست . گذشته از این دلائلی که عرض کردم اصولاً این پیمان هم کاملاً یك طرفی و صرفه و صلاح ایران در آن ملحوظ نشده وبطور ناقص هم تنظیم گردیده زیرا دربعضی از فصول اجرای این قرارداد منوط به انعقاد قراردادهای دیگری است که بعداً تنظیم و تقدیم میشود در صورتیکه ما نمیدانیم آن قراردادها چیست و نسبت به یك





چیز مجهولی ما نمیتوانیم امضاء کنیم . این است که بنده اساساً ضرورتی برای عقد این پیمان نمی‌بینم ومعتقدم که این لایحه موافق مصالح ومنافع کشور ما نیست وچون خوشبختانه سرو کارما باپاك کشور بزرك دموکراسی است که اکنون برای آزادی و دموکراسی میجنگد وبنده میتوانم اظهار کنم که لازم است درعقد این پیمان مراعات افکارعمومی هم بشود و چون باعجلهٔ که دارند شاید مراجعه به افکار عمومی میسر نباشد خوب است عقد پیمان لااقل یك ماه بتعویق افتد که نظریات موافق ومخالف وانویسندگان درروزنامه‌ها که آئینه افکارملت است نوشته شده و مطلب روشن‌تر وواضح گردد . آقایان میدانند که وضعیت غیرعادی وفوق‌العاده‌است وچون یکی از دولی که باما سروکاردارد ومامیخواهیم بااومعاهده به بندیم دولت انگلستان است اگر نظر آقایان باشد درموقعی که دولت انگلستان میخواست وارد جنك شود به نمایندگان مجلس اجازه دادند که به ایالات وحوزه‌های انتخابیهٔ خودمسافرت کنند برای این که ازعقاید و افکارموکلین خودشان مسبوق شوند و به‌بینند موکلین خودشان بادادن اعلان جنك باآلمان موافق است یاخیروروی همین نظر بولایات مسافرت کردند وبا موکلین خودشان صحبت کردند وآمدند واین اعلان جنك را دادند این بود که بااین وضعیتی که پیش آمد دوسال تمام تمام مملکت انگلستان مخصوصاً در مواقع بمباران مقاومت کرد و استقامت کرد ما هم اگر قبلاً ازملت ایران اطلاع حاصل کنیم وازافکارشان مسبوق شویم هرنتیجهٔ که بعداً حاصل شود تن در میدهد برای اینکه قبلاً اطلاع حاصل کرده و به نمایندگان مجلس اجازه داده‌است که تصویب بکنند . با این وضعیت بنده عرض میکنم که با این قرارداد مخالف هستم و با مراسلاتی که نوشته شده‌است دیگراین پیمان را زائد وغیر ضروری میدانم .

**وزیر امورخارجه** ـ درتاریخ زندگانی پارلمانی ما کمتر اتفاق افتاده که یك همچو پیش بیاید و یك همچو قراردادی به مجلس شورای ملی پیشنهاد شود . البته آقایان نمایندگان هریك بسهم خود حق دارند دراطراف آن اظهار نظر کنند وعقاید خودشان رابگویند ودولت را بآنچه بنظرشان میرسد متوجه کنند موافقین ومخالفین هرچه بنظرشان میرسد عقیده خودشان را صحیحاً بیان کنند ما یعنی دولت هم همانطور که ازاظهار نظر موافقین خوشوقت هستیم همانطور هم نسبت باظهارات مخالفین نهایت احترام رامیگذاریم . اگر رجوع بتاریخ ایران بشود ایران یکی از ممالك کهن سالی است که بخودش روزگارهائی دیده است تاریخ روزگاهای مشعشع مارا ثبت کرده در همین زندگانی طولانی ما یك روزگارهای بدی هم البته برای ما پیش آمده ایام سختی هم بما روی آورده است ولی همین ایران وهمین نژاد ایرانی که میتوان گفت مادر همان نژادی است که درعالم فخر میکنند ازتمام این مذلتها نجات پیدا کرده است . البته ایران یك مملکتی است دارای گذشته طولانی دارای ادبیات و معرفت هر پیش آمدی را بابردباری وصبر وتحمل وحل میکند زنده بوده‌است وزنده هم خواهد بود (صحیح است ـ انشاءالله) دراینجا یکی از آقایان نمایندگان اشاره فرمودند و بنده از آن ایجاد فهمیدم مثل این که این قرارداد با جبر وفشاری توأم بوده است . بنده فقط باید عرض کنم که دولت فقط ازروی مصلحت ومقتضیات ومصالح کشور با این قرارداد موافقت کرده است و بهمان نظر هم به مجلس شورای ملی آورده است و اگر مصلحت کشور را در آن نمیدیدند با آن موافقت نمینمود فشار هم در کار نیست و این مطلب بایستی بکلی از اذهان خارج شود . اگر بعضی از آقایان نمایندگان اظهار مخالفت فرمودند اظهار مخالفت آنهارا هم نباید بیگانگان سوء تعبیر کنند دولت هیچوقت با مجلس فرقی ندارد و مجلس هم با دولت فرقی ندارد و ملت ایران هم با مجلس جدائی ندارد وهمهٔ مطالبی که به مجلس پیشنهاد میشود دراطرافش گفتگو میشود دولت ومجلس وملت در یك مسائل مهمی که برای این مملکت روی میدهد با نظر مصلحت و با نظر صلاح اندیشی مطالعه میکنند بنابراین همانطور که ما یعنی دولت این قرارداد را ازنظر فشار و جبر به مجلس نیاورده است همانطور هم نظر نمایندگان مخالف نبایستی بهیچوجه موردسوء استفاده خارجیها بشود و آنرا وسیله پروپاگاند قرار دهند

(صحیح است) . اینجا بحث در کلیات شد و بنده اینطور که ملاحظه کردم و آنطور که اطلاع داشتم و سابقه داشتم بنا بود آقایانی که در کلیات مخالفند نظریات خودشان را بفرمایند و بعد آقایانی که نظر اصلاحی دارند و آنچه بنظرشان میرسد بعنوان پیشنهاد اظهار فرمایند ولی حالا می‌بینم از این خط منحرف شدیم و از مطلب دور افتادیم مثل اینکه بعضی از آقایان میفرمودند که ما بکلی مخالفیم ولی اگر اصلاحاتی بشود یا فلان طور نوشته شود موافقیم این مذاکرات بنظر بنده در طرز و روش معمولی دور است و از مرحلهٔ مستقیم خودش منحرف میباشد در این جا صحبت از کلیات شد و همانطوریکه در جلسات خصوصی بنده مفصل عرض کردم و جناب آقای نخست وزیر و جناب آقای وزیر فرهنگ هم مفصلاً توضیح دادند چه بسا مطالبی که مادر جلسات خصوصی بیان کردیم که نمیتوانیم در اینجا بیان و تکرار کنیم . امروز ملل دنیا به دو دسته تقسیم شده‌اند یکدسته هستند متخاصم و داخل جنگ که تکلیفشان معلوم است یک دسته دیگر ممالکی هستند که داخل جنگ نیستند و بعنوان بیطرفی و از لحاظ جغرافیائی و از لحاظ مقتضیات و مصالح خودشان ناچار شده اند بیکی از دو طرف متمایل شوند البته جنگ بقدری حاد است و بقدری دنیا گیر شده است که ایرادی به یک کسانی که در حال بیطرفی بیک طرفی متمایل شوند نیست اصول بین المللی همانطوری که آقای نخست وزیر فرمودند اساس و مقررات خود را گم کرده است اگر سابقاً یک دولتی به یک دولتی اعلان جنگ میداد باید مقررات بین المللی را رعایت کند نمایندگان خودشان را بخواهند و اعلان جنگ بدهند و چه بکنند و چه نکنند یا اگر دول بیطرف بودند یک مقرراتی داشتند که آن مقررات بجای خود بایستی رعایت شود ولی امروز و در این جنگ متأسفانه آن مقررات بهم خورد و ما هم که نمیدانیم این جنگ کی تمام خواهد شد و خدا میداند که تا کی طول میکشد و بکجا منتهی میشود در هرصورت ما هم در این گیر و دار واقع شدیم قضایائی به ما روی آورد و حوادثی رخ داد و تأثیراتی در مملکت ما کرد که تکرار آنها زائد است زیرا هم وقت آقایان گذشته و هم تکرار آن مطالب شاید خوش آیند نباشد . دو همسایه قوی ما وارد جنگ شده اند و در یک صف قرار گرفته اند والبته ازماهم بمناسبت اینکه در یک موقعیت خاصی واقع شده بودیم انتظاراتی دارند و متوجه بما شده اند پیشنهاداتی کردند و خواستند ارتباطی ما بین هم از طرف ایران حاصل کنند خلاصه آنکه کار رسید به قضیهٔ ورود بخاک ایران و مبادلهٔ آن مراسلات و بالنتیجه پیشنهاد پیمان اتحاد . گویا آقای آزادی بودند که فرمودند ما یک مراسلاتی داشتیم و دیگر این پیمان لزومی نداشت آقای نخست وزیر گمان میکنم کراراً توضیح دادند که مبادلهٔ این مراسلات در یک موقعی شد که آنها با حال خصومت وارد ایران شدند ولی بعد از آن آنها گفتند که در عالم همسایگی و در عالم دوستی میل داریم این سوء تفاهمی که بین ما پیدا شده است رفع شود ما میخواهیم مردم ایران و مردم دنیا بدانند که ما با دولت ایران در حال خصومت نیستیم ما پیشنهاد میکنیم بیائید و یک قراردادی منعقد بنمائید که طرفین منافع فعلی را در نظر بگیریم تا این جنگ بگذرد و دوره اش را طی کند و این قرارداد هم از بین میرود رفاقت ما برقرار دوستی ما استوار این بود که پیمان اتحاد بوجود آمد البته آقایان حالا خواهند گفت مثل این که بعضی از آقایان اشاره فرمودند و در جلسهٔ خصوصی هم گفته شد که این پیمان اتحاد چه ضرورتی دارد آقا اینها دو دولت همسایه قوی ما هستند امروز اینها بمناسبت قضایائی به ما پیشنهاد دوستی میکنند و میل دارند بمناسبت وقایع مهمی که برای آنها در دنیا رخ داده از راه های ما استفاده هائی بکنند همانطور که در پیمان هست و بهما هم پیشنهاد میکنند میگویند اوضاع اقتصادی شما بدست امروز شما با هیچ جای دنیا ارتباط ندارید وسیلهٔ ندارید حیات اقتصادی خودتان را تأمین کنید ما حاضریم که بشما کمک کنیم ما چه بکنیم ؟ بگوئیم نه ، این که شرط مملکت داری نیست اگر میگویند مطمئن باشید که به استقلال شما خدشهٔ وارد نمیشود اگر میگویند بعد از آن موقع معینی که در قرارداد نوشته شده





است خاک ایران را ترک میکنیم ما میگوئیم این کار را نمی کنیم ؟ وسایر مطالب دیگر که در خود قرارداد ذکر شده است فقط یک چیز مهم در اینجا هست که آقایان بایستی در نظر بگیرند و آن این است که متأسفانه بایستی اعتراف کرد (حالا بازبگذشته اشاره نمیکنم) و آن این است که یک سوء ظنّی برای آنها ایجاد شده است و بایستن این قرارداد یکی از کارهائی که میشود این است که آن سوء ظنّ مرتفع میشود و اعتماد جای آنرا خواهد گرفت و آنها خواهند دانست که ما هیچ قصدی نداریم و بدوستی خودمان با همسایگان خودمان اهمیت میدهیم بالاخره ما همسایه هستیم تا هستیم تا روسیه هست و انگلستان هست ما همسایه هستیم و ما بایستی روابط خودمان را با آنها محکم کنیم و منافع خودمان را با دوستی و حسن تفاهم حفظ کنیم و در این گیر و دار دنیائی که معلوم نیست چه خواهد شد ما هم بتوانیم بالاخره تکلیف خودمان را بدانیم این است وضع که بنده بطور اجمال اشاره کردم و جناب آقای نخست وزیر هم توضیح دادند و کاملاً تمام آنها را روشن فرمودند امیدوارم جنگ بزودی تمام شود خونریزی بآخر برسد نوع بشر روز کار خوشی از سر گیرد و این پیمان و این قرارداد هم که موقتی است بآخر برسد و منقضی گردد . آقایان دائماً اشاره میکنند ما با همسایگان عهدنامه داریم و فصول عهدنامه را در اینجا میخوانند عرض کردم این قرارداد فعلی را یک وضع خاص و فوق العاده پیش آورده است و این قرارداد دائمی نیست و عمر طولانی هم ندارد و خاتمهٔ این قرارداد مربوط است بخاتمهٔ جنگ جنگ که خاتمه پیدا کرد این قرارداد هم از بین میرود از بین هم که رفت تمام این حرف ها هم از بین میرود کشور ایران آن طوری که منظور نظر همهٔ ما هاست و همان طور که عرض کردم از پیش آمدهای سخت از این اوضاع هم خلاصی یابد و همیشه زنده بوده ایم و باز هم زنده خواهیم ماند (انشاء الله) آقای مؤیداحمدی راجع به کنتر پروژه اشارهٔ فرمودند ایشان که در کارهای پارلمانی سابقه زیاد دارند خوب میدانند که کار عهدنامه و قرارداد یک چیزی است بین دو طرف و البته گفتگو میشود مشاوره میشود اگر بنا بود آن کنتر پروژه که تنظیم شد قبول کنند که دیگر مذاکره و مشاورهٔ موضوعی ندارد البته کنتر پروژه طوری تنظیم شده بود که آنچه را میخواستیم منظور کرده بودیم وقتی که فیمابین گذاشته شد یک قسمتی را قبول کردند و یک قسمت را قبول نکردند و این پیمانی که تقدیم مجلس شورای ملی شده آن طرحی نیست که روز اول دولتین بما پیشنهاد نموده بودند روی آن خیلی مذاکره شده است تا بالاخره باینجا رسیده که ملاحظه میفرمائید راجع به قسمت اقتصادی آقای آزادی اشاره فرمودند که نمیدانیم چیست این قضیه اقتصادی موضوعی است که در اینجاها به آن اشاره کردیم والبته گمان نکنید که یک طرحی است که موجب این خواهد شد که برای ما یک وضعیتی ایجاد کنند برعکس ما امیدواریم همانطور که دولتین بما وعده داده‌اند همین روزها داخل مذاکره آن بشویم و طرح مناسبی با احتیاجات فعلی و با در نظر گرفتن اوضاع اقتصادی به مجلس بیاوریم . در خاتمه تقاضا دارم به مذاکرات در کلیات خاتمه داده شود که زودتر نظر آقایان نمایندگان معلوم و تکلیف دولت هم معین گردد

**بعضی از نمایندگان** ـ مذاکرات کافی است .

**رئیس** ـ آقای دکتر سنگ .

**دکتر سنگ** ـ آنچه را که بنده اطلاع دارم غالباً آقایان وزراء در هیئتشان اتفاق می‌افتد که تا ساعت ده بلکه بیشتر می‌نشینند و کار میکنند . در مجلس هم یک عده موافق است و یک عده مخالف و ما هم اگر یک شب تا ساعت ده بنشینیم و این مذاکراتی که لازم است بعمل آید چه عیب دارد و از مخالفین هم که اسم نوشته‌اند چند نفر بیشتر باقی نمانده است خوب است آقایان موافقت بفرمایند مذاکرات لازمه بشود .

**وزیر فرهنگ** ـ عرض کنم مقصود از کفایت مذاکرات البته کفایت مذاکرات در کلیات است و جلوگیری از نطق آقایان در فصول بهیچوجه نمیشود و آقایانی که نظریات اصلاحی دارند نسبت به فصول پیشنهادات خودشان را امشب میدهند و مطابق نظامنامه در بیست و چهار ساعت دیگر در همین مجلس مطرح میشود و هر اعتراضی دارند نسبت به آن ماده بیان میکنند و بطور تفصیل هم میتوانند صحبت کنند

در هر حال جلوگیری از نطق آقایان بهیچوجه‌من‌الوجوه نشده است و نخواهد شد .

**جمعی از نمایندگان** ـ مذاکرات کافی است .

**طهرانچی** ـ بنده مخالفم با کفایت مذاکرات .

**رئیس** ـ بفرمائید .

**طهرانچی** ـ بنده‌با کفایت مذاکرات‌مخالفم برای‌اینکه اجازه بنده قبل از چندنفر بود ومذاکره شد که پیشنهادات داده شود و بعد در فصول مذاکرات لازمه بشود اگر اجازه بنده محفوظ خواهد بود که در شور دوم عرایض‌خودم را بکنم که عرضی ندارم و اگر محفوظ نیست که بنده مخالفم با کفایت مذاکرات و بطور کلی‌هم با این قرارداد مخالفم و عرایضی‌هم دارم که چنانچه اجازه بفرمایند عرض کنم .

**رئیس** ـ بطوری‌که آقای وزیر فرهنگ فرمودند اعتراضاتی که درفصول هست‌بایستی بصورت پیشنهاد آقایان بدهند و پیشنهاداتی که داده میشود در جلسه آتیه مطرح میشود وتوضیحات خودشان راآقایان میدهند آقای لیقوانی .

**لیقوانی** ـ بایک هر کس که پیشنهاد میدهد توضیح‌هم بدهد .

**رئیس** ـ مطابق نظامنامه بایستی پیشنهادات قبلا طبع و توزیع شودبعداگر لازم‌شد درجلسه آتیه صحبت میکنند

**[ ۴ - استردادلایحه مربوط به تصفیه امورواملاك وتقدیم لایحه جدید ازطرف آقای وزیردادگستری ]**

**رئیس** ـ آقای وزیر دادگستری فرمایشی دارند .

**وزیر دادگستری** ـ بنده خیلی معذرت میخواهم ازاین که بعد از چهارساعت ونیم که وقت مجلس صرف مذاکرات شده است و آقایان خسته شده‌اند چند ثانیه وقت آقایان را لازم میدانم اشغال کنم و میخواهم یك توضیحاتی هم در این باب عرض کنم ولی چون وقت گذشته است صرف نظر میکنم و توضیحات‌را میگذاریم برای وقت دیگر . آقایان در نظر دارند که در آخر دوره دوازدهم بنده یك لایحه تقدیم کردم راجع به املاك واگذاری و آن لایحه نواقصی داشت که در ضمن لایحه دیگری که حالا تقدیم میکنم آن نواقص مرتفع شده است فعلاً اجازه میخواهم که آن‌لایحه سابق‌را استرداد کنم و این‌لایحه را بجای آن تقدیم کنم که بجای آن بطور عادی مطرح شود .

**رئیس** ـ لایحه به کمیسیون رجوع میشود . آقای کلشائیان .

**[ ۵ - تقدیم لایحه مربوط به یکی‌شدن وزارتخانه‌های بازرگانی و پیشه و هنر ]**

**وزیر پیشه و هنر و بازرگانی** ( آقای کلشائیان ) ـ لایحه قانونی است راجع به تضمیم وزارت پیشه و هنر و بازرگانی که تقدیم میشود .

**رئیس** ـ به کمیسیون رجوع میشود .

**[ ۶ - موقع و دستورجلسه بعد - ختم جلسه ]**

**رئیس** ـ اگر تصویب میفرمائید جلسه راختم کنیم ( صحیح است ) جلسه آینده روز چهارشنبه دهم دی‌ماه سه‌ساعت پیش ازظهر دستورهم بقیهٔ مذاکرات پیمان .

**[مجلس هشت‌ساعت‌ونیم بعدازظهر ختم‌شد]**

**رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری**